

کتابخانه

شورای انقلاب و دولت موقت

و

سیمای دولت موقت
از ولادت تا رحلت

و

نامه سرگشاده
مهندس بازرگان به امام

نام کتاب : شورای انقلاب . . .
ناشر : نهضت آزادی ایران
تیراژ : ۱۰۰۰۰ جلد
چاپ سوم بهار ۱۳۶۲

کلیه حقوق طبع محفوظ است - نقل از مندرجات فقط با ذکر نام مأخذ مجاز میباشد



۲

مقدمه

بسمه تعالی

خواننده عزیز:

در این مجموعه دو نشریه " شورای انقلاب و دولت موقت از زبان مهندس بازرگان " و " دولت موقت در پنج سند " و همچنین نامه سرگشاده آقای مهندس بازرگان به عنوان رهبر انقلاب یکجا منتشر می شوند .
نشریه اول در تاریخ ۶۱/۱/۲۵ و دوم در تاریخ ۶۰/۱۱/۲۸ تکثیر شده و نامه سرگشاده در تاریخ ۵۹/۵/۷ در مطبوعات بچاپ رسیده است .
هدف ما از انتشار این مجموعه حفظ اسناد انقلاب و خنثی ساختن توطئه های دشمنانی است که می کوشند با تحریف حقائق و سوابق اصالت انقلاب اسلامی ما را زیر سؤال قرار دهند .
دریافت نظرات اصلاحی و انتقادی شما ما را در پیگیری این هدف تشویق خواهد نمود .

اللهم وفقنا لما تحب وترضی

فهرست

- شورای انقلاب و دولت موقت صفحه ۵
- ۱- گاهشماری مبارزات و پیش‌پروزیهای انقلاب اسلامی ایران از شهریور ۲۰ تا ۲۲ بهمن ۵۷ صفحه ۷
- ۲- شورای انقلاب صفحه ۱۸
- ۳- شورای انقلاب و انتصاب دولت موقت و روابط فیما بین صفحه ۲۴
- ۴- روابط دولت موقت با امام صفحه ۴۴
- ۵- روابط دولت موقت با مردم صفحه ۴۶
- سیمای دولت موقت از ولادت تا رحلت صفحه ۴۹
- ۱- متن حکم انتصاب نخست‌وزیر دولت موقت توسط رهبرانقلاب اسلامی ایران بتاريخ ۵۷/۱۱/۱۵ صفحه ۵۳
- ۲- متن بیانات آقای مهندس بازرگان پس از دریافت حکم بتاريخ ۵۷/۱۱/۱۵ ... صفحه ۵۴
- ۳- متن گزارش دولت موقت به رهبرانقلاب اسلامی و شورای انقلاب بتاريخ ۵۸/۲/۱۵ صفحه ۵۹
- ۴- استعفای دولت موقت بتاريخ ۵۸/۸/۱۴ صفحه ۶۸
- ۵- موافقت رهبرانقلاب اسلامی با استعفای دولت موقت بتاريخ ۵۸/۸/۱۵ صفحه ۶۹
- نامه سرگشاده مهندس بازرگان به امام صفحه ۷۱

تدوین و تفصیل سخنرانی آقای مهندس بازرگان بمناسبت سالگرد انقلاب
اسلامی ایران در نوبت آزادی ایران [۶۵/۱۱/۲۲]

شورای انقلاب و دولت موقت

بسم الله الرحمن الرحيم

واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا و اذكروا نعمة الله
عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته
اخوانا .

دوستان و همفکران عزیز، آقایان و خانم‌ها

خداوند رحمن رحیم را سپاس می‌گذارم و بهمه دوستان و همفکران و
هموطنان عزیز تبریک می‌گویم که ملت ایران و جمهوری اسلامی ما را عمر و
توفیق داده است که علیرغم بحرانها و ضایعات سهمگین و گذشتن از
کردن‌های خطرناک که هر یک از آنها برای سقوط دولتها و سرنوشتی سلسله‌های
گذشته کافی بوده است با سلامتی نسبی و توکل وارد چهارمین سال بعد از
پیروزی انقلاب بشویم . پایداری و شهامت و مقاومت‌های گذشته امیدواری و
نیمه تضمینی برای آینده میدهد و نشانه سرمایه‌های مکتسب عظیم و عنايات
الهی میباشد .

در این جریان سه سال ملت قهرمان ما خیلی بیشتر از ۲۵۰۰ سال
تاریخ شاهنشاهی شهید و معلول داد و فداکاری و تحمل سنگین ترین سختیها
را به فرمان رهبر انقلاب و پایه‌گذار جمهوری اسلامی کرده است .

آیه فوق حقا" باید شعار همیشه ملت و همه مسئولین و متولیان باشد. دوران قبل از پیروزی انقلاب را بیادمان می‌آورد که چگونه بعد از اختلافات و دشمنیهای دیرینه یگانگی و یکپارگی مابین طبقات مختلف برقرار گشته پیر و جوان، مرد و زن، ملی و اسلامی و حتی چپی، بازاری و اداری، کارگر و کشاورز، روشنفکر و روحانی، خود را برادران انقلابی دانستند و با چنان اتحاد و اعتقاد کاخ شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله را زیر و زبر کردند و حالا که شاهد تفرقه و کینه‌ها می‌باشیم مجدداً "مشمول و محتاج قسمت اول آیه بوده نباید بجای چنگ زدن به ریسمان الهی به دسته بندیهای خصمانه و انحصار گریهای جاهلانه پردازیم.

در برنامه سخنرانیهای سالگرد انقلاب در نهضت سهم بنده را نقل خاطرات و نظریات مربوط به تأسیس شورای انقلاب و انتصاب دولت موقت قرار داده‌اند. در این زمینه گفتنی بسیار است که بعضی از آنها تکراری بوده، ملالت‌آور میشود ولی دوستان گفته اند اشکال ندارد چون بالاخره ایام سالگرد و زنده کردن خاطرات است. از طرف دیگر انحصارگران رسانه‌های گروهی و روزنامه‌ها و منبرها و مصاحبه‌ها که یکه تازان میدان هستند آنقدر در ظرف سه سال و دوسه ماه کم تهمت و تحریف بپا کرده‌اند که انسان نمیداند جواب کدام را بدهد و از کجا شروع کند! سعی خواهم کرد بحول و قوه الهی و بدون قصد تلافی و قلب حقایق بنکات اساسی پردازم. با استمداد از پاره‌ای اسناد، ولی بیشتر از حافظه‌ام، که بدیهی است نمی‌تواند صددرصد کامل و صادق باشد. ضمناً "نظر باینکه حاضرین در مجلس (و خوانندگان بعدی اوراق) برای شنیدن خاطرات و اطلاعات بنده قدم رنجه فرموده‌اند این عذر تقصیرم را خواهند پذیرفت که طبعاً مقداری از مطالب جنبه شخصی داشته ممکن است خود بینانه نیز تلقی شود.

البته هیچیک از دوستان نهضت و همکاران و بنده چنین ادعائی نداریم و نباید تصور شود که دولت موقت محور تصمیمات و سرنوشت ساز جمهوری اسلامی بوده است و شورای انقلاب مبداء حرکت و یگانه مدیر و متکای انقلاب محسوب میشود. هر دوی آنها از پدیده‌های انقلاب و جزئی

از جریان خروشان و جوشان حرکت عمومی ملت ایران و جو حاکم بر جهان بوده‌اند در حالیکه خود انقلاب اسلامی با همه عظمت و قدرت وارث یک سلسله حوادث تاریخی و مبارزات طولانی ملی و اسلامی و روحانی میباشد که با اوج و حسیض های فشار و آزادی، از نهضت تنباکوی میرزای شیرازی علیه اولین وصلت استیلای خارجی با استبداد داخلی آغاز شده است.

بواسطه کمی فرصت، از ذکر سوابق قدیمتر یعنی سرگذشت انقلاب مشروطیت و کودتا و سلطنت رضا شاه، صرف نظر کرده عرایضم را از شهریور ۱۳۲۰ شروع مینمایم که سرفصل دوران حدید ایران است و پیوند با بزرگترین حادثه تاریخ معاصر یعنی جنگ جهانی ۱۹۴۵ - ۱۹۳۹ دارد. پس از آن سرگذشت بخاطرات شخصی از شورای انقلاب و دولت موقت خواهم پرداخت.

سعی میکنم وقت زیاد نگیرم و آنچه مفید برای درک شورای انقلاب و پیدایش و عملکرد دولت موقت باشد فهرستوار عرض کنم. بصورت گاه‌شماری خواهد بود که ابتدا سال بسال است و بتدریج با نزدیک شدن به پیروزی انقلاب و شتاب گرفتن جریانها ماه بماه گشته در ماههای آخر روز شماری میتود.

مجدداً " معذرت می‌طلبم که وقایع و اقدامات مورد اشاره جنبه کاملاً عام و همنواخت نداشته بسیاری از آنها ارتباط خاص با سوابق و خدمات نهضت آزادی ایران پیدا میکند.

گاهشماری مبارزات و پیش‌پیروزیهای انقلاب اسلامی ایران از شهریور ۲۰ تا ۲۲ بهمن ۵۷

الف - از حمله متفقین به ایران تا ملی شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۳۲.
۱۳۱۹ - کانون اسلام. اولین مرکز آموزشهای آزاد اسلامی اجتماعی جدید که دانشجویان و دانش‌آموزان و آقای سید محمود طالقانی

- می‌آمدند و مجله‌های بنام دانش‌آموز منتشر میکرد، همزمان با اولین مجلس تفسیر قرآن ایشان در مسجد منشورالسلطان و آغاز آشنائی و همکاری بنده با آن مرحوم.
- ۱۳۲۰/۶/۳ - حمله انگلیسها از جنوب و شوروی از شمال برای اشغال نظامی کشور بمنظور استفاده ارتباطی سه جانبه علیه آلمان.
- ۱۳۲۰/۷/۷ - تاسیس حزب توده ایران با تبلیغات و تشکیلات منظم و مؤثر در روشنفکران و کارگران و کشاورزان و تصرف مناطقی در شمال و در آذربایجان.
- ۱۳۲۰ - تاسیس جامعه اسلامی متشکل از بعضی متدینین خیر بازار و ادارات برای فعالیتهای اسلامی فرهنگی و خیریه و سیاسی و بدنبال اجتماع و فعالیتهای زمان رضاشاه از سال ۱۳۰۳ با همکاری امثال حاجی سید ابوالحسن طالقانی و آقا شیخ علی مدرس.
- ۱۳۲۱ - تاسیس کانون مهندسين ایران. اولین تشکیلات اجتماعی غیرسیاسی تخصص یافتگان برگشته از اروپا با افکار و اهداف ملی.
- ۱۳۲۱ - اعتصاب مهندسين. اعتصابی که شعار آن "کار بدست کاردان" و به قصد وارد کردن نسل جوان تخصص یافته در مشاغل و مدیریت مملکت بوده و دامنه آن به استادان دانشگاه تهران و کارمندان وزارتخانه‌ها کشیده شده به پیروزی یک انقلاب اداری منتهی شد.
- ۱۳۲۱ - انجمن تبلیغات اسلامی به ابتکار و مدیریت فعالانه آقای ددتر عطاء الله شهاب‌پور به سبک تازه جالب. که از ۱۳۱۵ مقدمات آن پایه گذاری شده بوده است.
- ۱۳۲۱ - تاسیس انجمن اسلامی دانشجویان. اولین حرکت اسلامی اجتماعی آزاد روشنفکران که تاسیس و دامنه فوق‌العاده در ایران و خارج ایران پیدا کرد.
- ۱۳۲۲ - تاسیس حزب ایران.
- ۱۳۲۳ - اولین اعلامیه آیه الله خمینی خطاب به علماء و دعوت به قیام علیه مفاسد اجتماعی و دینی - (جمادی الاول ۱۳۶۳)

۱۳۲۳ - نهضت خدایپرستان سوسیالیست. اولین اجتماع سیاسی اسلامی جوانان روشنفکر مسلمان که آقایان مهندس آشتیانی و مرحوم محمد نخشب از پایه گذاران آن بودند در سال ۱۳۲۸ مرحوم نخشب همراه با عده‌ای از اعضای نهضت، فعالیت علنی آغاز و روانه حزب ایران شدند و در سال ۲۹ پس از خروج از حزب ایران تبدیل به جمعیت آزادی مردم ایران و در سال ۳۲ عنوان حزب مردم ایران را اختیار کرد.

۲۸/۸/۱ - انتخابات دوره شانزدهم مجلس، تحصن در دربار برای گرفتن آزادی انتخابات و تشکیل جبهه ملی ایران برهبری مرحوم دکتر

مصدق.

۲۹/۱۲/۱۶ - قتل رزم‌آراء بدست شهید استاد خلیل طهماسبی از پیروان شهید نواب صفوی.

۱۳۲۹/۱۲/۲۹ - تصویب قانون ملی شدن نفت.

۸ اردیبهشت ۱۳۳۰ - نخست وزیری دکتر مصدق.

خرداد ۱۳۳۰ - اعزام هیئت خلع ید از شرکت سابق نفت بخوزستان و انجام آن (تا شهریور ۱۳۳۰)

۳۱/۴/۳۰ - واقعه سی تیر و شکست دولت قوام السلطنه و شاه.

۳۱/۱۲/۹ - توطئه کودتا علیه دولت دکتر مصدق بشکل خروج شاه از ایران

و حمله به منزل دکتر مصدق توسط اوپاش به سرکردگی شعبان

جعفری معروف به بی مخ.

۳۲/۵/۲۸ - کودتای آمریکائی - انگلیسی - درباری ۲۸ مرداد برای سقوط

دولت ملی مصدق، بازگشت و حکومت مطلقه شاه، نخست وزیری

زاهدی، عقد قرارداد کنسرسیوم، سرکوبی جبهه ملی و قلع و قمع

حزب توده.

ب - دوران اختناق شدید تا نهضت روحانیت و مبارزه مسلحانه.

۱۳۳۲ - تأسیس نهضت مقاومت ملی ایران بمنظور:

۱ - اعلام غیرملی بودن کودتا و اثبات وفاداری ملت به مصدق.

- ۲ - احیاء و ادامه مبارزه علیه شاه و آمریکا برای پیروزی یا رسوا کردن.
- ۳ - توحید و تشکل ملیون و مسلمانان تواءم با تدوین برنامه و ایدئولوژی. دوران نهضت مقاومت تا ۱۳۳۹.
- اسفند ۱۳۳۲ - انتخابات دوره هجدهم مجلس در محیط اختناق و آزار - نامه اعتراضیه نهضت مقاومت با امضاهای شخصی برای آزادی انتخابات.
- ۳۲/۹/۱۶ - تظاهرات در دانشکده فنی علیه مسافرت نیکسون و شهادت سه تن از دانشجویان.
- ۱۳۳۳ - سرکوبی شدید حزب توده و تشکیلات آن از طرف دولت کودتا و فرمانداری نظامی با شروع از شاخه نظامی آن. ادامه شدت تا ۱۳۳۸.
- ۱۳۳۳ - نامه سرگشاده به مجلسین در اعتراض بقرار داد کنسرسیوم به ابتکار مرحوم دکتر معظمی با امضای حدود ۷۵ نفر از رجال سیاسی، دانشگاهی، بازاری، روحانی و اداری که مواجه با عکس العمل شدید دولت بعد از امضای قرارداد، از طریق اخراج امضاء کنندگان از مشاغل اداری و دانشگاهی مربوطه و تضییق های بانکی و اقتصادی برای امضاء کنندگان بازاری. (۱۲ نفر استادان کمیته دانشگاه نهضت مقاومت ملی).
- وعده آزادی انتخابات از طرف دولت بمنظور تخفیف فشارها و روآوردن به ملیون غیر مصدقی بتوصیه آمریکائیهها.
- ۱۳۳۵ - تاءسیس "متاع" (مکتب تربیتی اجتماعی عملی) که منشاء و مؤسس بسیاری از نهادهای اسلامی اجتماعی و زیر بنائی سیاسی گردید.
- ۱۳۳۶ - تاءسیس انجمن اسلامی مهندسين و بدنبال آن انجمن اسلامی پزشکان که ادامه یافتند و انجمن اسلامی معلمین.
- ۱۳۳۸ - تاءسیس شرکت انتشار پایهگذار انتشارات اسلامی اجتماعی علمی آزاد بسیک جدید که تاءسی و تاءثیر وسیع یافت.

۳۹/۴/۳۵ - تاسیس جبهه ملی دوم بابتکار افرادی از نهضت مقاومت با دعوت از رجال و رهبران زمان مصدق، ابتدا بمنظور شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی.

زمستان ۱۳۳۹ - تحصن رهبران جبهه ملی در مجلس سنا و اعتصاب دانشجویان دانشگاه برای اعتراض و خواستاری آزادی انتخابات که بصورت حبس آنان درآمد.

۱۳۴۰/۲/۲۵ - تاسیس نهضت آزادی ایران بعنوان یکی از گروههای عضو جبهه ملی ایران بنا بوظیفه اسلامی، با ایدئولوژی اسلامی و صراحت ضد استبدادی و ضد استیلائی خارجی.

۴۰/۱۱/۱ - حمله فجیع کماندوهای فرمانداری نظامی به دانشگاه تهران.
۴۱ - اعلامیه نهضت آزادی برای توضیح موضع علماء نسبت به مبارزه و بیان خط صحیح آن.

۴۱/۱۱/۳ - صدور بیانیه تحلیلی نهضت آزادی ایران تحت عنوان انقلاب شاهانه (!) و افشاء مقاصد سلطه طلبانه صهیونیستها و آمریکا در همکاری با شاه و پیشگوئی عواقب حیانتبار و نابودی کشاورزی و استقلال ایران.

نیمه دوم ۱۳۴۱ - نهضت روحانیت در قم و تهران ابتدا علیه شرکت زنان در انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی و علیه اصلاحات ارضی که بعدا تحول و تشعب در جهت مبارزه حاد علیه شاه و نفوذ آمریکائیه در امور ایران به رهبری آیتالله خمینی پیدا کرد.

زمستان ۱۳۴۱ - اولین آشنائی و ملاقات با آیتالله خمینی در قم باتفاق آقای دکتر سبحانی.

۴۱/۱۱/۴ - بزندان انداختن وسیع رهبران و فعالین جبهه ملی و نهضت آزادی و عدهای از دانشجویان و بازاریان برای اختناق و ارباب قبل از فراندوم انقلاب شاه و انتخابات مجلس.

۴۱/۱۱/۶ - فراندوم ۶ مادهای کذائی شاه که بعدا "عنوان انقلاب شاه و مردم روی آن گذاردند و بتدریج تا ۱۳ ماده افزایش یافت.

- ۱۳۴۲ - تشکیل جمعیت هیئت‌های مؤتلفه اسلامی در همکاری با روحانیت مبارز مخصوصاً "آیه‌الله خمینی و ترور منصور (۱۳۴۳/۱۱/۱)
- ۱۳۴۲/۱/۲ - حمله به مدرسه فیضیه قم توسط کماندوهای شاه.
- ۱۳۴۲/۳/۱۵ - قیام معروف ۱۵ خرداد در روز دوازدهم محرم و شهادت انفعالی و مظلومانه چندین هزار نفر از مردم بازار و محلات تهران و شهرستانها و روستاها.
- ۱۳۴۲ - تأسیس نهضت آزادی خارج کشور و فعالیتهای اسلامی - سیاسی دانشجویان آمریکا و اروپا برهبری دکتر مصطفی چمران، دکتر ابراهیم یزدی و دکتر علی شریعتی.
- ۱۳۴۲ - محاکمه سران نهضت آزادی در دادگاه نظامی و محکومیتهای ۱ تا ۱۰ سال مقارن با آزاد کردن تدریجی زندانیان جبهه ملی.
- ۴۳/۸/۱۲ - تبعید آیه‌الله خمینی به ترکیه پس از زندان ایران.
- ۱۳۴۳ - تأسیس حزب ملل اسلامی با مرامنامه تشکیل حکومت اسلامی و مقدمات مبارزه مسلحانه که بزودی در تاریخ بهمن ۱۳۴۳ کشف و دستگیر شدند.
- ۱۳۴۷ - آغاز فعالیتهای مذهبی - فرهنگی جوانان با رنگ انقلابی در سایه حسینیه ارشاد و سخنرانیها و مکتب دکتر علی شریعتی.
- ۱۳۴۹ - آغاز عملیات مسلحانه منظم چریکهای فدائی خلق (گروه سیاهکل) بدنبال اقدامات پراکنده گروههای مخفی مارکسیستی که از سال ۱۳۴۳ شروع گردیده بود و معمولاً "دستگیر و زندانی میشدند.
- شهریور ۱۳۵۰ - دستگیری وسیع اعضاء سازمان مجاهدین خلق و شروع عملیات مسلحانه آنان که مواجه با سرکوبی شدید و شکنجه و اعدام میگرددید و علیرغم افکار التقاطی چون زمینه اسلامی و شور ایمانی قوی داشتند تأثیر و توسعه قابل توجهی در افکار عمومی و در جلب همکاری روحانیون مبارز و متدینین بازار پیدا کردند.

ج - از حقوق بشر کارتر تا پیروزی انقلاب.

۱۳۵۵ - اعلام حقوق بشر و فشار بر دولت برای بازکردن سوپاپها - فتح باب جدید - امکان پخش نسبتاً وسیع و آزاد اعلامیه‌های آیه‌الله خمینی. مختصر آزادی در منابر و مجامع نامه‌های شجاعانه دکتر حاج سید جوادی علیه دولت و درباریان در سالهای ۵۵ و ۵۶. آغاز اجتماعات خانگی و سازماندهی مبارزین قدیم.

فروردین ۱۳۵۶ - پایه‌گذاری و فکر تاسیس "جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر" در استفاده از رقابت ابرقدرتها، بنا به پیشنهاد آقای فتح‌الله بنی‌صدر در دعوتی که آقای فولادی از سرشناسان مبارزات ملی و اسلامی کرده بود.

تیر ۵۶ - بزرگداشت دکتر شریعتی در مجلس فاتحه پدر آقای معادیخواه در مسجد ارک.

۵۶/۸/۸ - مجلس ختم حاجی سیدمصطفی خمینی که با دعوت مشترک ملیون و مسلمانها و روحانیون علیرغم ناراحتی شدید پلیس منعقد گردیده و مسجد ارک در عمر چندین ساله چنین جمعیتی را بخود ندیده بود و واعظ مجلس (دکتر فریدون روحانی) با سوءاستفاده از منبر علت استقبال بی‌سابقه مردم را صرفاً "علاقمندی بروحانیت اعلام داشت (در حالیکه دو سه هفته قبل برای شخصیت همطرازی که فاقد جنبه مبارزاتی علیه شاه بود مجلس تذکری گذارده بودند و یک دهم آن جمعیت حاضر نشده بود.)

۵۶/۴/۲۹ - اعتراض علنی به ده سال محکومیت آقای طالقانی در اعلامیه بازرگان بعنوان مراجع تقلید و علمای عظام و در نامه مورخه ۵۶/۴/۳ آقای دکتر سبحانی بعنوان دادسرای نظامی.

۵۶/۵/۱۶ - سقوط دولت هویدا بعد از سیزده سال و نخست وزیری دکتر آموزگار.

شهریور ۵۶ - اجتماع عظیم و سخنرانیهای بی‌سابقه اسلامی - سیاسی ماه رمضان در مسجد قبا بدعوت مرحوم مفتاح (سخنرانان آقایان دکتر توسلی، دکتر پیمان، دکتر سامی، دکتر توانائیان فر، مهندس

بازرگان با عنوان آفات توحید، دکتر سبحانی، جواد حجتی کرمانی،
شیخ علی آقا تهرانی.

شهریور ۵۶ - اجتماع مفصل هنرمندان و روشنفکران غیر اسلامی و چپی در
باشگاه انجمن ایران و آلمان بنام شبهای شعر.

شهریور ۵۶ - برگزاری نماز عید فطر در زمین قیطریه به امامت آیت‌الله
سیدابوالفضل موسوی زنجانی با پیشنهاد و همکاری آقایان مهندس
صباغیان، حاج تقی حاج طرخانی، حاج مانیان، تهرانچی، حاج
مهدی عراقی.

۵۶/۹/۱ - اجتماع مذهبی سیاسی ملیون در کاروانسراسنگی و حمله وحشیانه
چماقداران ساواک به آنها.

آبان ۵۶ - نامه تاریخی اعتراض و اتخاذ موضع علیه شاه که از طرف نهضت
به منظور امضای دسته جمعی شخصیت‌های ملی و اسلامی مبارز تهیه
شده بود ولی با سه امضاء ارسال و توزیع شد (آقایان دکتر بختیار،
دکتر سنجابی، داریوش فروهر)

آذر ۵۶ - آغاز اقدامات آشکار و برنامه ریزی شده جمعیت ایرانی دفاع از
آزادی و حقوق بشر در محل استیجاری (مکاتبه با مراکز بین‌المللی،
مصاحبه‌ها، عضوگیری، نامه پراکنی، نشریات، ملاقاتها، دفاع از
زندانیان، فشار بر دولت.)

۵۶/۷/۱۵ - تظاهرات گروه‌های اسلامی و ملی در صحن حضرت عبدالعظیم
و راه پیمائی جوانان در حمایت از زندانیان و تجلیل از آیه‌الله
خمینی.

۵۶/۸/۱۱ - انتشار اولین اعلامیه دسته جمعی ملیون و روشنفکران شامل
درخواست‌های همگانی (اجرای قانون اساسی - رعایت آزادیها -
آزادی زندانیان سیاسی و تبعیدیها - الغای حزب رستاخیز - آزادی
مطبوعات - انحلال مجلسین - انحلال سازمانهای چماق‌داری - تحکیم
و پیشبرد حقوق بشر.)

۵۶/۱۰/۱۷ - درج مقاله توهین آمیز شدید اطلاعات علیه آیه‌الله خمینی

که موجب هیجان عمومی و فوران انقلاب مخصوصاً " در حوزه‌های روحانی
 گردید و موجد وحدت مراجع و علمای بزرگ شد. از جمله قیام قم
 و کشتار مردم که چهل‌های زنجیری را بدنبال آورد.

۵۶/۱۱/۲۹ - چهل کشتار قم در تهران و شهرستانها و شهامت مردم و
 فاجعه تبریز - اولین نمونه‌های پیوستن ارتشیان به ملت.

۵۷/۱/۱۰ - چهل قیام تبریز در سراسر ایران و بروز تظاهرات شدید و
 کشتار مردم یزد و جهرم و اهواز. برگزاری مجلس بزرگداشت شهدا
 در مجلس آذربایجانها بدعوت اینجانب.

۵۷/۱/۱۹ - بمب گذاری ساواک در ورودی خانه‌های پنج نفر از مؤسسی
 حقوق بشر ایران (بازرگان - دکتر لاهیجی - دکتر سحابی
 مانیان و فروهر) و مسافرت بعدی آقای باتلر از حقوق بشر آمریکا
 به ایران برای ملامت شاه و ملاقات با سران جمعیت ایرانی حقوق
 بشر و طبقات مردم.

اردیبهشت ۵۷ - آغاز سیل خبرنگاران خارجی.

۵۷/۲/۱ - مصاحبه مخفیانه بازرگان با تلویزیون بلژیک و نمایش فیلم یک
 ساعته از مصاحبه و تظاهرات و مبارزات مردم ایران و پخش وسیع
 در کشورهای اروپائی و آمریکا.

۵۷/۲/۲۱ - برگزاری مجلس چهل شهدای یزد، جهرم و اهواز روز پنجشنبه
 ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۷ در مسجد جامع تهران بدعوت آقایان دکتر
 بدالله سحابی - احمد صدر حاج سید جوادی و اینجانب و تأیید
 جمعی از روحانیون مبارز.

۵۷/۲/۳۰ - نامه بازرگان بدفتر مخصوص برای دعوت شاه به " مباحثه ملی"
 (مصاحبه در تلویزیون)

اردیبهشت ۵۷ - تشکیل جبهه ملی اسلامی از گروهها و شخصیت‌های مبارز
 (و روحانیت که حاضر بمعرفی نماینده نشدند).

اردیبهشت ۵۷ - پیام بازرگان (از طرف نهضت) برای آیت‌الله العظمی
 خمینی بوسیله مسافر عتبات راجع به مسائل مبارزه و نمایندگی و
 روابط.

۵۷/۳/۱۵ - تعطیل عمومی و خانه نشینی سراسری ایران برای اثبات نارضایتی و اعتراض عمومی بنظام موجود به ابتکار جبهه ملی اسلامی که در شهرستانهای درجه ۱ و ۲ با موفقیت بیش از ۸۰٪ اجرا شد و در تهران بعزت بسیج افسران و درجه داران و خانواده‌های آنان که از طلوع آفتاب در خیابانها بگردش درآمدند جلوه تقریباً ۷۰٪ داشت.

۵۷/۳/۱۵ - اعلامیه "کارمندان دولت حالا نوبت شما است" که چند ماه بعد منتشر گردیده و خواسته شده بود که شرط موفقیت انقلاب و وظیفه کارکنان دولت اعتصاب علیه دستگاه است (از نهضت آزادی).
۵۷/۵/۲۹ - انتصاب دولت شریف امامی بجای دکتر آموزگار با سیاست در باغ سبز.

۵۷/۶/۶ - اعلامیه شاه برود نهضت آزادی تحت عنوان راه نجات ایران از بن بست حاضر.

۵۷/۶/۱۳ - نماز عید فطر در زمین قیطریه به امامت آقای دکتر مفتاح و راه پیمائی طولانی خودبخودی بعد از آن با پیشنهاد و همکاری آقایان مهندس توسلی، حاج تقی حاجی طرخانی، حاج مانیان و ...

۵۷/۶/۱۶ - اعلام حکومت نظامی و برگشت به تشدید خشونت و منع آزادیهای نسبی.

۵۷/۶/۱۷ - جمعه سیاه حمله بمردم بی سلاح جمع شده در میدان ژاله و کشتار صدها نفر.

دومین استقبال غیر مسلحانه دسته جمعی در شهادت بعد از ۱۵ خرداد ۴۲.

۵۷/۶/۱۷ - دستگیری وسیع مبارزین ملی و اسلامی و روحانی و زندانی کردن انفرادی.

۵۷/۶/۲۸ - تحسن حقوق بشریهای دستگیر نشده در منزل آیت الله شریعتمداری برای اعتراض و خواستاری آزادی.

۵۷/۷/۱۳ - هجرت آیت الله خمینی از نجف به پاریس به پیشنهاد و در معیت

آقای دکتر یزدی.

۵۷/۷/۱۷ - صدور اعلامیه سنگر به سنگر نهضت آزادی تحت عنوان " در کجا هستیم؟ "

۵۷/۷/۲۹ - مسافرت بازرگان به پاریس و مذاکرات با آیت‌الله خمینی.

۵۷/۸/۱۴ - اعلامیه نهضت آزادی راجع به رهبری امام خمینی تحت عنوان " آیا وقت آن نرسیده است که نظام حاکم واقعین باشد؟ "

۵۷/۸/۱۴ - حکومت از هاری بجای شریف امامی.

۵۷ - دعوت و تأسیس شورای انقلاب از طریق آقای مطهری.

۵۷/۹/۱۹ - راه پیمائی آرام و عظیم تاسوعا و روز حقوق بشر بدعوت

جمعیت ایرانی حقوق بشر و آیت الله طالقانی و روحانیت مبارز تهران.

۵۷/۹/۲۰ - راه پیمائی با شعار عظیم عاشورا بدنبال راه پیمائی روز قبل و مشارکت بیشتر مردم.

۵۷/۱۰/۵ - تحصن نمایندگان و استادان دانشگاههای ایران در ساختمان دبیرخانه دانشگاه تهران از ۲۹ آذر ماه و کشته شدن آقای مهندس

کامران نجات‌اللهی.

۵۷/۱۰/۷ - اعلامیه نهضت آزادی تحت عنوان جنگ شاه و ملت.

۵۷/۱۰/۱۶ - دولت دکتر بختیار.

۵۷/۱۰/۸ - مأموریت موفقیت آمیز راه اندازی نفت ۹ برای مصارف داخلی

به هیئت ۵ نفری (بازرگان - هاشمی رفسنجانی - مهندس کتیرائی

- مهندس حسینی و مهندس صباغیان). اولین گام تسخیر و اداره

مملکت بدستور آیه الله خمینی.

۵۷/۱۰/۲۶ - خروج شاه از ایران.

۵۷/۱۰/۲۷ - مأموریت اداره اعتصابات به هیئت ۵ نفری (آقایان دکتر

سحابی - مهندس معین‌فر - دکتر محمد جواد باهنر - دکتر کاظم

یزدی - دکتر مهدی ممکن.)

۵۷/۱۰/۳۰ - درخواست و ملاقات آقای *Pitzel* سفیر کبیر آلمان

- غربی با بازرگان برای ابراز همکاری و تآئید .
- دی ۵۷ - ادامه مذاکرات حقوق بشر ایران و شورای انقلاب با امریکائیهها و ارتشیها که بمنظور تسهیل و تسریع خروج و استعفای شاه و خودداری ارتش از حمله و آزار مردم شروع گردیده بود .
- دی ۵۷ - ملاقات محرمانه با آقای سالیوان سفیر کبیر آمریکا باتفاق آقای **موسوی اردبیلی** با تصویب شورای انقلاب و اجازه امام .
- ۵۷/۱۱/۳ - قرار مسافرت و استعفای دکتر بختیار در پاریس .
- ۵۷/۱۱/۱۲ - ورود امام به تهران .
- ۵۷/۱۱/۱۵ - فرمان نخست وزیری بازرگان .
- ۵۷/۱۱/۲۲ - سقوط رژیم .

شورای انقلاب

خاطرات و اطلاعات مربوط به شورای انقلاب را از مسافرت خودم به پاریس برای ملاقات و مذاکره با آیت الله العظمی خمینی که پایه و پیشهاد شورا در آنجا ریخته شد شروع می‌نمایم .

این مسافرت که ده روز آن در پاریس و دو روزش در لندن گذشت از ۵۷/۷/۲۹ تا ۵۷/۸/۱۲ بطول کشید و برنامه‌ام شامل منظوره‌های زیر بود :

- ۱ - تجدید دیدار و اطلاع از حال و افکار و نظریات آیه‌الله خمینی ،
- ۲ - در جریان گذاشتن ایشان نسبت به اوضاع ایران ، مبارزات در جریان .
- ۳ - پیشنهاد نظم در کار و تعیین یک هیئت نمایندگی از طرف ایشان در تهران برای ابلاغ اعلامیه‌ها و دستورات و دریافت اطلاعات و دستورات و دریافت اطلاعات و پیشنهادات .

۴ - دیدار و ارتباط با نهضت آزادی خارج کشور .

اولین ملاقات و آشنائی من (که به اتفاق آقای دکتر سبحانی رفته بودیم) با آیه‌الله خمینی در زمستان سال ۱۳۴۱ در اوان نهضت روحانیت بود .

دومین ارتباط در سال ۴۲ از زندان قصر با وساطت مرحوم برادرم بمنظور رساندن جوابیه سخنرانی گستاخانه شاه علیه ایشان بود که با نظر آقایان طالقانی و دکتر سحابی و تولیت تهیه کرده بود و آنها خیلی پسندیده و بهترین پاسخ دانستند. غیر از آن ارتباط دیگری نداشتیم جز اینکه بعد از محکومیت نهضتی‌ها در دادگاه نظامی تاءبیدیه‌ای مانند سایر آقایان مراجع داده بودند.

در جریان سالهای ۵۶ و ۵۷ که در اثر آزادی نسبی تحمیلی بر شاه از ناحیه کارترپخش وسیع و تا حدودی کم خطر اعلامیه‌های **آیه الله خمینی**، در داخله ایران امکان پذیر و مؤثر واقع شده بود، گاهی اعلامیه‌هایی میرسید که نسبت به اصالت آنها تردید حاصل میشد و پاره‌ای متناسب با موقع و مصلحت بنظر نمی‌آمد. بعلاوه خود ما و اشخاص علاقمند پیشنهادها و نظریاتی داشتیم. در مرداد ماه ۵۷ با مشورت دوستان نهضت قرار شد پیامی بدست یکی از تجار متدین مطمئن بازار که عازم زیارت عتبات و دیدار مخفیانه ایشان بود بدهم. مطالب پیام شفاهی را پس از توضیح و تفهیم بصورت یاد داشته‌هایی همراه آن آقا کردم که ذیلاً "قسمتهائی نقل میشود:

۱ - قانون اساسی ایران بصورت اصلی و متمم آن، بدون اضافات بعدی، سند زنده و قابل ارائه و استناد و دفاع در محاکم داخلی و محافل بین المللی است و فعلاً "یکانه ضامن اجرای اصول و احکام اسلامی میباشد. اگر آنرا نفی کنیم منطقاً و قانوناً هرگونه مدرک محکومیت رژیم شاه را از دست میدهیم. بمعنای ضامن سلطنت شاه نیز نیست چون سراسر بخلاف آن عمل کرده و خود را قانوناً "معزول ساخته است (۱).

۱ - این بند از تذکرات دقیقاً و اکیداً "مورد تایید و اصرار آیت الله حاجی سید ابوالفضل زنجانی و بسیاری از مراجع و علما و خصوصاً صاحب نظران و مبارزین ملی و مسلمان ایران بود.

۲ - در عمل همینطور هم شد و مرحله اول یا پیروزی انقلاب ما رفته رفته با استقبال افکار عمومی غرب حتی مطبوعات آمریکا روبرو شد و سیاستهای خارجی همگامی و شناسائی نشان دادند.

- ۲ - لبه تیز حمله فعلا بهتر است به استبداد باشد نه استعمار. جنگ کردن در دو جبهه مانع پیروزی است و مصلحت در برانگیختن سیاست آمریکا و اروپا که علیه خودمان و بسود و حمایت شاه است نخواهد بود. (۲)
- ۳ - کلیه جنبش‌های ملی و مذهبی اخیر که در زمان خود ما به موفقیت‌های عمده رسیده و سطح بیداری و تحرک مردم را بالا برده است با اعلام انتخابات آزاد از طرف دولت و استقبال رهبران شروع شده است. با وارد شدن در فعالیتهای انتخاباتی بهتر توانسته‌اند حرف خود را بزنند و مردم را متوجه و متحرک سازند.
- ۴ - از هر گامی که دولت علیرغم خود و برای ریا و فریب در جهت خواسته‌های ملت بردارد باید استفاده کرد. افرادی که از صف دولت خارج میشوند ولو صد درصد خالصانه نباشد جا دارد تشویق شوند تا بیشتر در این جهت جلو بیایند و سایرین هم ملحق شوند.
- ۵ - هدف نهائی البته سرنگونی رژیم است. اما در مرحله اول رفتن شاه (۱)، در مرحله دوم نظارت و محدودیت جانشینان او در چهارچوب قوانین موجود و آزادیها، سوم کار کردن روی افکار و افراد و تشکل و تربیت و تجهیزات و بالاخره در مرحله چهارم تبدیل به جمهوری اسلامی.
- ۶ - مشورت با روحانیت ایران که صمیمانه و عاقلانه وارد مبارزه شده‌اند. که گفته‌اند: " امرهم شوری بینهم " که دستور و اصل قرآنی است. اطلاعات ارتباطات منظم مطمئن و سریع از داخله و خارجه برای رهبری آگاه و ارزیابی و تنظیم حرکت‌های ضروری است و ایجاب می‌نماید که هیئت سه نفری یا چهار نفری مورد اعتمادی در تهران به تشخیص خودشان انتخاب و به محرم‌ها معرفی نمایند. همچنین برای دریافت دستورهای آقا و مشورت و نظر دهی گروهها به آنها استفاده شود.

۱ - البته همزمان با چنین پیام و مشورت اعلامیه " شاه برود " نهضت آزادی ایران منتشر شده بود و چهار ماه قبل از آن در تلویزیون بلژیک گفته بودم که حضور شاه در ایران با آزادی منافات دارد.

۷ - حکومت اسلامی یگانه هدف و منظور نهائی هر مسلمان باید باشد .
عنوان کردن آن در جواب سؤال خبرنگار لوموند كاملا بجا بوده است اما
هنوز مشخص و شناخته نشده و تعریف واحدی پیدا نکرده روی کیفیت حکومت
اسلامی از جهات عدیده ایدئولوژیک، اقتصادی - سیاسی، اداری و غیره
بقدر کافی و مقبول کار نشده . همچنین رهبری انحصاری روحانیت که امتحان
خوبی در گذشته نداده سابقه و تجربه و صلاحیت فنی لازم را ندارد،
کنار زدن و خارج از حق و وظیفه کردن گروههای ملی غیر مذهبی با حسن
نیت و با صلاحیت بخلاف مصلحت است ."

در ملاقات با آیه الله خمینی و مسافرت پاریس (بعد از ۲۲ سال)
برنامه‌ام طبق مذاکرات دوستان نهضت و مبارزین دیگر شامل منظورهائی
بود که قبلاً ذکر گردید .

و علاوه بر آنها التیام روابط آقای بنی‌صدر با آقایان دکتر یزدی و
قطب زاده .

روز ۵۷/۷/۳۰ باتفاق آقای دکتر ابراهیم یزدی در خانه اندرونی
که آنطرف کوچه و قدری بطرف مشرق بود ملاقات و مذاکرات بعمل آمد .
آقای اشراقی داماد ایشان در ابتدای جلسه و برای پذیرائی و تعارفات اولیه
حضور داشتند . جلسه سه نفری قریب یک ساعت و نیم طول کشید و همانطور
که قبلاً از آقای دکتر بهشتی شنیده بودم ایشان ابتدا بکلام و استفسار از
حال و نظریات طرف و ابراز انبساط چندان نداشت . وقتی ضرورت تعیین
یک هیئت نمایندگی را مطرح کردم تاءییدی ندیدم . مختصری از وضع ایران ،
عقب نشینیهای شاه و امکان توسعه فعالیت و پیشروی و پیروزی صحبت کرده
گفتم انتخابات مجلس که وعده آزادی آنرا داده‌اند فرصت خوبی برای نفوذ
و موفقیت خواهد بود و شاه را میشود بتدریج بیرون انداخته از راههای
قانونی و مجلس مؤسسان تغییر نظام داد . ایشان بلافاصله اشکال کرده
گفتند شور و هیجان مردم خواهد خوابید . گفتم برعکس است ، فعالیت‌های
انتخاباتی همیشه بهترین فرصت و وسیله برای بحث و تبلیغات و تجمع و
تحریکات است . ایشان اظهار نا امیدی کرده گفتند آیا تضمین میکنید؟ از

مشکلات و مخالفتها و مسائلی که رو در رو خواهیم بود صحبت کردیم . از جمله کارشکنیهای حتمی دولتهای بزرگ و لزوم دقت و تدبیر در پیشروی . فوق العاده متعجب شدم که دیدم ایشان مسائل را ساده میگیرند و نمی- خواهند وجود یا اثر آمریکا را قبول کنند گفتم بالاخره آمریکا را با قدرت و موقعیتی که دارد باید بحساب بیاوریم . جواب دادند چون ما حرف حق میزنیم آمریکا مخالفت نخواهد داشت ، ما نمی-گوئیم نفتمان را به آنها نمیفروشیم ، میفروشیم ولی بقیمت عادلهای که خودمان در بازار آزاد مشتریها تعیین نمائیم و بعد هم از آنها بجای اسلحه ماشینهای کشاورزی خواهیم خرید . گفتم دنیای سیاست و محیط بین المللی حوزه علمیه نجف و قم نیست که با استدلال و حق در صدد اقناع طرف برآیند ما هزار مشکل و موضوع خواهیم داشت و آنها نیرنگ و نقشهها جور خواهند کرد . کافی نیست که حرفمان حق باشد تا آنها تسلیم شوند . از خونسردی و بی-اعتنائی ایشان به مسائل بدیهی سیاست و مدیریت ماتم برد و دنبال کردن بحث در این زمینه را بیفایده دیدم . پرسیدم جنابعالی چگونه اوضاع و تکلیف را می-بینید؟ باز هم ساده نگری و سکینه و اطمینان ایشان بموفقیت نزدیک مرا به تعجب و تحسین انداخت . مثل اینکه قضایا را انجام شده و حل شده دانسته گفتند شاه که رفت و به ایران آمدم مردم نمایندگان مجلس و بعد دولت را انتخاب خواهند کرد ، منتهی چون کسی را نمی-شناسم از شما میخواهم افرادی را که مسلمان و مطلع و مورد اعتماد باشند علاوه بر خودتان و دکتر یزدی معرفی کنید که مشاورین من باشند و آنها بگویند چه کسی برای نمایندگی مجلس خوب است تا من بعنوان نامزد به مردم پیشنهاد نمایم . البته مردم آزاد خواهند بود رأی را که مایل باشند بدهند . وزراء را هم آن هیئت در نظر بگیرند که من پیشنهاد نمایم . کافی است این وزراء مسلمان و درستکار باشند ، اصرار ندارم حتی ممکن است از وزرای سابق که خیانت نکرده‌اند باشند . احساس من (و شاید دکتر یزدی) این بود که ایشان از ما فقط برای مرحله بعد از انقلاب که تشکیل دولت و مجلس و اداره مملکت است میخواهند استفاده نمایند و نسبت بمرحله ماقبل خیالشان راحت و

برنامه معین است. گفتم چشم، با آقای دکتر یزدی می‌نشینیم و صورتی تهیه کرده خدمتان میدهم. سفارش کردند که تنها از خودتان نباشد، نمی‌خواهم بگویند که من طرفدار دسته خاصی هستم. گفتم البته نظر و رویه ما همیشه همین طور بوده اهل همکاری و وحدت هستیم.

در آخر جلسه چون فکر میکردم قبل از رفتن شاه و آمدن ایشان به ایران مسائل و مراحل در اداره و پیروزی انقلاب داریم گفتیم اجازه دهید همین هیئت مشورتی که منصوب خواهید کرد فعلاً "وظیفه رابط و نمایندگی را برای اداره انقلاب در ایران داشته باشد. این نظر را رد نکردند ولی استقبال هم نکردند.

صورتی که با همکاری آقای دکتر یزدی تهیه شده و دو روز بعد به آیت‌الله خمینی دادم تا آنجا که بخاطر دارم شامل اشخاص ذیل از طبقات مختلف بود:

از علماء آقایان مطهری، حاجی سیدابوالفضل موسوی زنجانی، دکتر بهشتی، هاشمی رفسنجانی، مهدوی کنی، (آقایان طالقانی و منتظری چون در زندان بودند و پیش‌بینی آزادیشان نمیشد اسامی آنها در لیست گذارده نشده بود).

از ملیون مبارز و مسلمان آقایان دکتر سحابی، دکتر سامی، مهندس کتیرائی، و میناچی.

از نهضتی‌ها آقایان سحابی، احمد صدر حاج سید جوادی، دکتر یزدی و خودم.

از بازار آقایان عالی نسب و حاجی کاظم حاجی طرخانی،

از افسران، سرتیپ علی‌اصغر مسعود و سرتیپ ولی‌الله قرنی.

در آن چند روز با عده‌ای از دوستان و آشنایان که در ایران یا اروپا و آمریکا برای دیدن آیت‌الله خمینی آمده بودند ملاقات‌های سلام و احوالپرسی و صحبت‌های کلی آمد. از جمله آقایان دکتر بهشتی، حسن آقا شریعت‌مداری، دکتر مگری، دکتر سنجابی (همراه با مانیان و مهدیان و سلامتیان) آقای صادقی و غیره.

خبرنگاران فرانسوی و بین‌المللی نیز خیلی مراجعه و اصرار مصاحبه میکردند ولی بطور کلی از هرگونه اظهار و افشای مذاکرات با آیت‌الله خمینی و نظریات و تبلیغات برای خودم یا نهضت خودداری کردم. ضمناً آقای دکتر سنجابی و همراهان ایشان علاقه داشتند یک ملاقات اضافی و تعیین موضع مشترک با آیت‌الله خمینی داشته باشیم و اعلامیه سه جانبه‌ای داده شود ولی دکتر یزدی و من ضرورتی در این کار ندیدیم. تنها بنادعوت آقای دکتر بهشتی یک جلسه ملاقات سه نفره در محل اقامت ایشان داشتیم. آقای دکتر یزدی عقیده و تا حدودی اصرار داشت که قبل از ترک پاریس و دیدار خداحافظی اعلامیه‌ای در تعیین موضع خودم و تأیید رهبری امام بدهم. من این عمل را غیرفوری دیدم و ترجیح دادم پس از گزارش ملاقات بدوستان نهضت در تهران و با تصویب آنها انجام شود. در سفر دو روزه به لندن به اتفاق آقای میناچی علاوه بر دیدار آقایان دکتر تقی‌زاده، دکتر خرازی و دکتر سروش و کوشش (منا سفانه بی‌فایده) در ایجاد حسن تفاهم آقای بنی‌صدر با آقایان دکتر یزدی و قطب‌زاده مذاکرات مفیدی به اتفاق آقای میناچی در دفاتر صلیب سرخ و عفو بین‌الملل در رابطه با دفاع از زندانیان ایران داشتیم.

شورای انقلاب و انتصاب دولت موقت و روابط فیما بین

پایه شورای انقلاب که در آذرماه ۵۷ شکل رسمی مخفی یافت، در آن ملاقات پاریس ریخته‌شد و آیت‌الله خمینی توصیه‌ای را که در پیام مرداد و شهریور فرستاده بودم باین ترتیب پذیرفتند منتهی با دو ماء‌موریت یکی مشورت در حکومت و دیگر نمایندگی برای رهبری انقلاب. ابتدا نیز طی برنامه‌ای که آقای یزدی با نظر ایشان در پاریس تهیه کرده قرار بود دو هیئت جداگانه تشکیل شود یکی هیئت مشاورین امام برای انتخاب و معرفی اشخاص و دیگر شورای انقلاب ولی در عمل و مقارن با ماء‌موریتی که قبل از

آمدن به ایران برای راه اندازی نفت داده بودند آن دو هیئت ادغام گردیده اعضایش که بدستور ایشان از طرف آقای مطهری مصاحبه و دعوت شدند غیر از دکتر باهنر هیچکس خارج از آنچه در پاریس صورت داده بودم نبودند فقط آقایان مهندس عزت‌اله سحابی و دکتر عباس شیبانی در زمان مسافرت پاریس من هنوز در زندان بوده امیدی به آزادی ایشان نمی‌رفت. ترکیب شورای انقلاب چهار بار عوض شد ولسی همیشه اکثریت آنرا معمین تشکیل میدادند که مقرب‌تر بودند. ترکیب اول که در پیشنهاد نخست وزیر و تصویب وزراء دولت موقت شرکت داشتند عبارت بود از آقایان طالقانی، مطهری، هاشمی رفسنجانی، دکتر بهشتی، مهدوی کنی، موسوی اردبیلی، دکتر باهنر، دکتر یزدی، دکتر سحابی، احمد صدر حاج سید جوادی، مهندس کتیرائی، تیمسار مسعودی، تیمسار قرنی و من بانضمام آقایان مهندس سحابی و دکتر شیبانی که بلافاصله بعد از خروج از زندان به فرانسه رفته بودند. بعد از تعیین دولت موقت و خارج شدن وزراء از شورای انقلاب بجای ما آقایان بنی‌صدر، قطب زاده، مهندس موسوی، دکتر پیمان و جلالی را وارد کردند بدون آنکه بجای شهید مطهری و مرحوم طالقانی شخص جدیدی جانشین شود. تغییر سوم بعد از استعفای دولت موقت و وارد کردن آقایان مهندس کتیرائی، مهندس معین‌فر، دکتر رضا صدر و من به دستور امام گرفت که در عوض آقایان دکتر پیمان، مهندس موسوی و جلالی خارج شدند. اسامی اعضای شورای انقلاب در هیچ زمان اعلام نشد و در اوایل استتار بیشتر بکار برده میشد بطوریکه در مطبوعات و در افواه نام اشخاص مانند دکتر مفتاح، دکتر سنجابی. حتی دکتر حاج سید جوادی برده میشد. البته در پاریس وعده معرفی شورای انقلاب را داده بودند ولی بعداً "شاید بدو دلیل خودداری بعمل آمد. یکی مسئله امنیتی و دیگر مسئله روانی و رقابتی داخل روحانیون. جامعترین و بیطرفانه‌ترین گزارش نسبتاً کامل تشکیلاتی و عملیاتی شورای انقلاب همان است که مرحوم دکتر بهشتی به مجلس شورای اسلامی در اوایل تاسیس آن داده بود.

شورای انقلاب از ابتدای تشکیل هفته‌ای یک و بعداً "دوبار بطور نامنظم

و غیر منضبط دورهم جمع شده پا بی‌پای جریانات انقلاب پیش میرفتیم و خصوصا " در مذاکرات با مقامات انتظامی دولتی و دیپلماتیک خارجی و ترتیب دادن مسافرت دکتر بختیار پاریس برای ملاقات با آقا و استعفا، مشاوره و هماهنگی وجود داشت، ماء‌موریت راه اندازی نفت و هیئت اداره اعتصابات نیز خارج از چارچوب و اطلاع شورای انقلاب میشود.

* * *

اما انتصاب دولت موقت، مطلب را باید از عصر چهاردهم بهمن‌ماه در دبیرستان رفاه سه روز بعد از ورود امام به تهران شروع نمایم. آیه‌الله خمینی در آن سه روز چه گفتگوها با چه کسانی کرده بودند خبر ندارم. همینقدر میدانم که شورای انقلاب را که تقریبا " همه‌روز در طبقه دوم ساختمان دبیرستان رفاه جمع میشدیم و سری هم به آقا در ساختمان دبستان علوی میزدیم و اطاق را خلوت میکردند، عصر شنبه که رفتیم ما را مخاطب قرار داده پرسیدند برای نخست‌وزیری دولت چه کسی را تعیین کنیم؟ حاضرین ساکت مانده بیکدیگر نگاه میکردند. اسامی اشخاص از جمله آقای صدر حاج سید جوادی در صحبت‌های بین الاثنین به میان می‌آمد. نمیدانم مرحوم مطهری بود یا یکی دیگر از روحانیون شورای انقلاب که مرا پیشنهاد کرد اعضا غیر روحانی هم شخص دیگری را در نظر نداشتند ولی همگی استنکاف داشتیم که ما پیشنهاد دهنده باشیم. در هر حال نظر عموم روی من رفت و اگر کسی موافقت نداشت حرفی نزد. آیه‌الله خمینی تبسم و اظهار خوشوقتی کرده گفتند باین ترتیب خیالم از دو طرف راحت شد. ظاهرا " منظور ایشان از دو طرف یکی ملیون و روشنفکرها بود و یکی علما و روحانیون.

شورای انقلاب اصرار داشت فورا " از من " بله بگیرد " و اعلامیه صادر گردد تا هم دکتر بختیار در برابر عمل انجام یافته قرار گیرد و هم توقع و تحمیل‌ها خاموش شود. من نخواستم فورا " قبول کنم و گفتم اجازه دهید مطالعه و مشورتی بنمایم و چون فشار می‌آوردند که همان شب کار تمام شده حکم را بنویسند و اعلام کنند من ناراحت شده گفتم شمر هم به امام حسین یک شب مهلت داد آقای طالقانی تأیید کرد و آیه‌الله خمینی با تبسم گفتند

بگذارید تا فردا صبح.

قصد من از عقب انداختن برای محکم کاری بود که اولاً مسلم شود از ناحیه ما اصرار و علاقه باین مقام نیست و حدود اعتقاد و احتیاج آنها روشن شود ثانیاً "روابط و وظائف متقابلہ مشخص شود. برای این کار لازم بود اساسنامه مصوب شورای انقلاب را که آقای مهندس کتیرائی منشی شوری قرار بود پاکتویس کرده باشند، بیاورند.

صبح یکشنبه ۱۵ بهمن ماه حوالی ساعت ۱۰ جلسه کردیم مقدمه از حسن ظن آقایان و شخص امام تشکر کردم، بعد با اشاره به متن حاضر شده اساسنامه متذکر شدم که شورای انقلاب مقام مجلس ملی را داشته میتواند از دولت سؤال و استیضاح کنند و هر وقت اعتماد ندارند عزل نمایند و بدیهی است که لوایح قانونی دولت باید بنظر و تصویب شورا برسد ولی حق دخالت در امور اجرائی را ندارند. همچنین در رابطه با مقام رهبری ایشان خطوط اصلی سیاست و خط مشی کلی دولت را تعیین می نمایند و از ایشان پرسش و درخواست میشود که در امور مهم و اساسی دستور دهند بدون اینکه در جزئیات و اجرائیات احتیاج به کسب نظر و دستور باشد ضمن آنکه متقابلاً ایشان هم در اظهارات و تصمیمات خود نظر مشورتی دولت را خواهند خواست.

پس از تذکر و تصریح مطالب فوق گفتم خواهش میکنم آقایان نسبت به رأی و پیشنهادی که دیشب دادید تجدید نظر فرمائید و اگر بنده را نامزد نخست وزیری می نمائید با علم و اطلاع از افکار و اخلاق و سوابق خواهد بود. همه آقایان مرا خوب می شناسند و از طرز فکر و طرز کار و سوابق خدمات اطلاع دارید، میدانید که معتقد به دموکراسی و اهل همکاری و مشورت و اعتقاد بدیگران هستم و خیلی مقید بنظم و رعایت بوده از تندى و تعجیل احتراز میکنم و علاقمند به مطالعه و عمل تدریجی میباشم. در گذشته اینطور بوده ام برای آینده هم رویه ام را عوض نخواهم کرد. حال اگر با این سوابق و شرایط قبول دارید پیشنهاد فرمائید... عکس العمل مثبت یا منفی در مجلس ندیدم. من تکرار کردم که غیر از آنچه بوده ام و

گفتم نخواهم بود ولی بر طبق اساسنامه شورای انقلاب حاضر به قبول خدمت و تشکیل دولت بخواست خدا هستم. سکوت و قبولی و اصرار مجدد آقایان روحانی شورای انقلاب و امام در برابر شرایط و اتمام حجت من باعث تعجبم شد و انتظار آنرا نداشتم. بعدها معلوم شد و آقای خامنه‌ای رئیس جمهور در یکی از مصاحبه‌های اخیر خود در دهه فجر اظهار کرده‌اند که شخص دیگری را نداشتیم و خودمان هم در آن موقع نمی‌توانستیم. دوستان و من هم غافل از این بودیم که بعداً "چه معامله خواهند کرد و مرا بطور موقت برای جلب اعتماد مردم ایران و خارج و اعتبار انقلاب بعنوان نردبان قدرت در آنجا میگذارند و راه و برنامه‌های خودشان را گام بگام دنبال خواهند کرد. مرحوم طالقانی توصیه کرده بود نپذیرم و فرموده بود این آقایان وفا و صفا نخواهند داشت ولی دوستان و خود من در چنان اوضاع و احوال وظیفه شرعی و ملی خودمان را میدانستیم که شانه از زیر بار مسئولیت خالی نکنیم.

بعد از این صحبت‌ها یا قبل از آن آیت‌الله خمینی راجع بعدم وابستگی حزبی و اینکه نخست وزیر و وزراء (و شاید اعضای شورای انقلاب) نباید عضو هیچ حزب باشند و تصور تمایل و تبعیت ایشان از هیچ گروه و حزب پیش نیاید بیاناتی کردند. حاضرین متعجب شدند چون امر مسلم نخست وزیر انتخابی از نهضت آزادی بود. همین مطلب را آقای مهندس کتیرائی یا مرحوم مطهری عنوان کردند. آیت‌الله خمینی گفتند خوب، استعفا دهند... مرحوم طالقانی اشکال کردند که اگر بازگان استعفا از نهضت بدهد همه میدانند که مؤسس و عضو علاقمند نهضت آزادی است. من اضافه کردم همینطوراند آقای طالقانی، بعلاوه وزرائی هم که باید انتخاب کنم اگر بسراغ احزاب و گروههای باقیمانده او زمان مصدق و مبارزین نروم کسی نمی‌ماند. بالاخره قرار شد کسانی که حزبی هستند از مسئولیت و اشتغال، فعالیت و مشارکت در حزب خود خودداری نمایند. (و فقط ما شش نفر نهضتی‌ها دقیقاً" این شرط را رعایت کرده کلاه نهضت آزادی پس معرکه رفت!) .

برای صدور فرمان، آیت‌الله خمینی نکات اصلی را ذکر کرده گفتند خودتان

کناری نشسته عبارت آنرا تهیه نمائید. آقای مطهری کاغذ و مداد بدست گرفته با آقایان مهدوی کنی، هاشمی رفسنجانی و صدر حاج سید جوادی بیک طرف اطاق رفتند. دکتر سحابی و دکتر یزدی هم به آن جمع اضافه شدند. من هم جلو رفتم.

هر یک تذکراتی برای مطالب فرمان میدادند، بدون آنکه اشکال و اختلاف عمده‌ای وجود داشته باشد و بالاخره با خواندن در جمع و استماع و تصویب امام متن فرمان بشرحی که شنیده یا دیده‌اید صادر شد. من سرم را بزیر انداخته صادقانه و صمیمانه دنبال اجرای این فرمان راه افتادم و آقایان متولیان شورای انقلاب هم بدنبال نقشه و کارهای انقلاب آنطور که فکر خودشان بود، رفتند.

این فرمان علاوه بر سند حکومتی و سیاسی بودن ارزش تاریخی و تحقیقاتی نیز دارد. زیرا که منعکس کننده خواسته‌ها و روحیه‌ها و برنامه عمل زمان پیروزی انقلاب در ذهن گردانندگان و رهبری انقلاب بود.

هم به لحاظ آنچه گفته شده است قابل توجه می‌باشد و هم بلحاظ آنچه گفته نشده است سپس مقایسه متن فرمان دولتی که امام آنرا دولت اسلام و امام زمان خوانده بودند با عدم همکاریها و با مخالفتها و کار شکنیهائی که به فاصله یکماه پس از آن از همه طرف بعمل آمد قابل مطالعه می‌باشد. همچنین توقع‌ها و تعرض و تهمت‌هایی که بعد از استعفای دولت موقت مخصوصا در زمینه کارهایی که در فرمان نیامده بود براه افتاد (۱).

* * *

صبح روز دوشنبه ۱۶ بهمن ماه (یا شاید از روز قبل) تصمیم گرفته شد ابلاغ و اعلام نخست وزیر انقلاب همراه با تشریفات و تبلیغات صورت بگیرد تا همه در داخل و خارج مطلع شده پیروزی انقلاب و اخراج نظام گذشته تسریع گردد. این عمل عصر همانروز در یک جلسه مصاحبه مطبوعاتی بین‌المللی در سالن سخنرانی دبستان علوی بعمل آمد و در تلویزیون مدار

بسته‌ای که بعضی علاقمندان (آقایان مهندس پیراینده و مهندس حیدری)
زیر بار خطر آن رفته بودند در محله اطراف خیابان ایران ارائه شد که غیر
منتظره و شادی بخش مردم بود .

* * *

وظیفه و مسئله‌ای که بلافاصله پیش آمد و کار بسیار دشوار در آن
شرایط تاریخ و خطرناک محسوب میشد جستجو و تکلیف و تعیین وزراء بود .
طبیعی است که کابینه نمی‌بایستی انحصار به نهضتی‌ها داشته باشد بلکه
ائتلاف و اتحادی از همه مبارزین با شهامت و مخالفین با رژیم گذشته باشد
که از سال ۱۳۲۰ باین طرزف مسلمان و مبارز بودن خود را (همانطور که
در فرمان بنده تأیید شده بود) خصوصاً " از ملی شدن نفت ببعده نشان
داده‌اند . در جمع شورای انقلاب بنده چهار شرط را عنوان کردم .

۱ - مسلمان عامل بفرائض .

۲ - سابقه مبارزاتی مشخص (۱) و عدم همکاری سیاسی و تبلیغاتی با
نظام شاهنشاهی .

۳ - حسن شهرت و شایستگی اخلاقی و اجتماعی و پذیرش شخصی و
اداری در وزارتخانه مربوطه .

۴ - سابقه و آشنائی و صلاحیت اداری و فنی در وظیفه ارجاعی .

اولین اختلافی که در چارچوب شورای انقلاب با آقای دکتر بهشتی
پیدا کردم بر سر شرط چهارم فوق بود و ایشان عقیده بخلاف آن و اکتفا
کردن و ارجحیت دادن شرط سوم بهمه شرایط داشته میفرمود . می‌توانیم فقدان
تخصص و صلاحیت و سابقه و تجربه را با انتصاب یک معاون جبران نمائیم .
از ۱۵ بهمن تا ۲۸م ، قسمت عمده‌ای از اوقات بنده به مشورت با
همکاران (بیشتر با آقایان دکتر سحابی ، صدر حاج سید جوادی ، مهندس
کتیرائی ، مهندس صباغیان ، و دکتر یزدی و تیمسار مسعودی) و با دوستان

۱ - در آن زمان هنوز صفت انقلابی بودن معمول چندان نشده و
شاخصیت و انحصار پیدا نکرده بود .

و مطلعین خارج شوری و بالاخره دعوت و صحبت با نامزدها برای انتخاب وزراء می‌گذشت و مکرر از طرف اعضای شوری و علاقمندان و شخص امام پرسش و تاکید به تسریع و راهنمایی‌هایی میشد. در یکی از روزهای اول پرسیدند وزارتت را هم برای آقای بنی‌صدر در نظر گرفته‌اید؟ گفتم بنده میترسم به کسی که سابقه‌ی اداره یک مکتب خانه را هم ندارد وزارتخانه‌ای را بدهم. فرمودند من او را می‌شناسم و خوب است، عرض کردم بنده هم از زمانی که جزو دانشجویان جبهه ملی در دانشکده حقوق بودند آشنائی مختصر پیدا کرده‌ام و آنچه شاخص دیده‌ام این است که اهل همکاری نیست و هیچکس را قبول ندارد، و چون متقاعد نشدند اضافه کردم که اگر آقای مصلحت میدانید که بعنوان مشاور در شورای انقلاب از وجود آقای بنی‌صدر استفاده نمایند صاحب اختیارید ولی بنده شرعاً "خودم را مجاز به سیردن یک وزارتخانه به ایشان نمی‌بینم ..."

امر مسلم این است که علاوه بر خطرات و اشکالات و ابهامات حاکم بر محیط در آن زمان، چهار شرط مذکور در بالا بقدری دائره انتخاب وزراء را تنگ میکرد که اگر احساس وظیفه شرعی و ملی و آمادگی برای فداکاری در نامزدها وجود نداشت و توکل بخدا، یگانه روزنه امید همه ما نبود به هیچوجه از عهده تنظیم لیست وزراء در آن مدت کوتاه بر نمی‌آدمم و این کار را بنده از مشکلترین و مهمترین توفیقه‌های خود دانستم (۱).

یک کار دیگر غیر از جستجوی مسئولین جدید کلنچار رفتن با دولت و دستگاه حاکم بود که هنوز همه قدرتها غیر از ملت و خدا را در دست داشت و ما را بشوخی و فانتوم بازی میگرفت.

بدیهی است که اقدامات و تذکرات با مشورت و صلاحدید آقایان

۱ - مردم با بصیرت و انصاف ایران، بعداً "که خیلی از آنها از آسیاب‌ها ریخته و اشکالها و ابهامها رفع شده بود، ملاحظه و مقایسه کردند که دولت شورای انقلاب و دولتهای بعد از انتخاب رئیس جمهور و تشکیل مجلس درچه مدت و به چه ترکیب جور می‌شدند.

شورای انقلاب و تا حدودی همکاری آنان انجام میشد اصرار بر این بود که با تأسی برویه امام و القای تکلیفی که ابتدا به سربازان و ارتشیان و بعداً" به کارگران و کارمندان و دست آخر به نمایندگان مجلسین کرده و خواسته بودند تمکین اوامر شاه و نظام غاصب ننموده بطرف ملت و رهبری انقلاب بیایند و اعراض واستعفا نمایند، ما هم از رؤسای مجلسین و مقامات ارتشی و انتظامی و از دکتر بختیار و هیئت دولت میخواستیم که برای احتراز از هرگونه درگیری و ضایعات اعلام پیوستگی به انقلاب و امام و استعفا نموده مشاغل و ابواب جمعی خود را داوطلبانه تحویل دولت قانونی جدید دهند. تماسهای زیاد چه شخصاً و چه آقایان دکتر سحابی و مهندس امیر انتظام یا دوستان خارج شوری از جمله آقای دکتر سیاسی رئیس سابق دانشگاه با آن آقایان گرفتیم و به موفقیت‌های عمده‌ای رسیدیم. از آن جمله اعلامیه شورای عالی دفاع در خودداری سربازان و ارتش از مقابله با ملت بود. آقای دکتر بختیار هم در اوایل بهمن ماه اعلامیه‌ای در تلویزیون دائر به تجلیل و تمکین از امام خوانده و قرار بود به پاریس رفته ملاقات نماید و استعفایش را شخصاً" خدمت ایشان بدهد که همان شب جریان دیگری در تهران علیرغم نظر آقایان شورای انقلاب پیشی گرفت...

روز جمعه ۵۷/۱۱/۱۹ در اولین فرصت بعد از انتصاب، ترتیبی با کمک دوستان نهضت برای صحبت عمومی با مردم داده شد و مناسبترین محل که انتخاب کردیم دانشگاه تهران بود. البته احتمال عدم موافقت و بلکه ممانعت و مزاحمت از ناحیه دولت میرفت که خوشبختانه چنین نشد و توانستند شبانه سیستم صوتی را نصب و منظم نمایند بطوریکه سخنرانی در هوای مساعد در بهترین شرایط و استماع کامل با بزرگترین جمعیت که تمام دانشگاه و خیابانهای اطراف را پر کرده بود به لطف خدا برگزار شد و آثار رضایت و بشاشت در چهره‌ها ظاهر بود. آن عده از همکاران شورای انقلاب مانند آقایان مهدوی کنی و هاشمی رفسنجانی و دکتر سحابی و صدر و کتیرائی که آمده بودند نیز راضی بوده آینده را امیدوار کننده دیدند. متن سخنرانی که روز بعد در روزنامه‌ها پخش شد نشانه دیگری از تسلیم

دستگاه و پیروزی جریان بود.

در این سخنرانی غرض اصلی من تماس عمومی آشکار با مردم، خروج بر ملت، ابراز وجود دولت انقلاب و بی اعتنائی بدولت در حال نزع و بر مدعا بود. ثانياً "اعلام برنامه و خط مشی دولت موقت، ثالثاً" گوشزد کردن اینکه توقع معجزه، پیمودن ره صد ساله در یک شب، تبدیل آسان و سریع ایران به گلستان، حل فوری و مطلوب مسائل و مشکلات و بالاخره انجام صحیح و کامل کارها را نباید داشته باشند و بهیچوجه قول نمیدهم که عدالت علی و قاطعیت خمینی را بکار بندم یا وزرائی که انتخاب خواهند شد مریم بافته و عیسی رشته بوده همگی صلاحیت و عصمت لازم را داشته باشیم بلکه تنها قولی که میدهم حسن نیت و قصد خدمت همراه با صداقت است.

دفترکار و محل مشاوره و ملاقاتها در ساختمان دبیرستان رفاه بود که یک هیئتی بنام ستاد برگزاری استقبال از امام (از جمله آقایان مهندس توسلی مسئول تبلیغات، مهندس صباغیان مسئول برنامه ریزی، تهرانیچی مسئول انتظامات، شاه حسینی مسئول تدارکات، دکتر مفتاح سخنگو، شیخ فضل الله محلاتی رابط روحانیت و مطهری سرپرست کمیته استقبال) آنجا را اداره و حفاظت میکردند. در حالیکه ازدحام فوق العاده و آمد و رفتهای همه جور در آنجا و کوچههای اطراف و خیابان ایران صورت میگرفت و دولت بختیار حاکمیت و رسمیت داشت خیابانهای تهران و بسیاری از شهرستانها بحرانیترین روزهای انقلاب را با شهامت و شهادت فراوان می گذراندند.

فرمانداری نظامی ساعت ممنوعیت عبور و مرور را ۴/۵ بعد از ظهر اعلام کرده بود که امام و دولت دستور خلاف آنرا دادند و بعداً " امام فرمودند خدعهای در کار بوده میخواسته اند در خلاء و سکوت شهر حمله نظامی کرده ایشان را دستگیر و اعدام نمایند و معجزه آسا بنظرشان آمده بود که حکومت نظامی را بشکنند. هر آن خطر حمله به محل میرفت و ما شبیه شب ۲۱ بهمین راه اتفاق آقایان دکتر سبحانی، دکتر یزدی، مهندس بنی اسدی، مهندس ابوالفضل بازرگان و ابوالفضل حکیمی و عده دیگری که خاطر من نیست

در آنجا ماندیم که دور از امام نبوده در ارتباط با ستاد برگزاری و حفاظت باشیم. صدای تیراندازی در سراسر شب قطع نمی‌شد و انتظار نزدیک شدن دشمن و جنگ دفاعی را داشتیم ولی صبح که روشن شد همه را بحمدالله سالم دیده روز ۲۲ بهمن ۵۷ با شکر و شادی زائدالوصف شاهد پیروزی انقلاب به فضل خدا و فداکاری مردم ایران شدیم.

دکتر بختیار و وزراء که جرأت حضور در وزارتخانه‌ها را نداشتند تسلیم نشده بودند.

بعد از ظهر دوشنبه ۲۳ بهمن بهمت بعضی از دوستان از جمله آقایان مهندس امیر انتظام، عباس رادنی و مرحوم اسمعیل افجه‌ای و با استقبال عده‌ای از کارمندان نخست وزیری در معیت آقایان مهندس صباغیان، دکتر یزدی به عمارت نخست وزیری رفته بصورت اداری و تشریفاتی آنجا را تصرف نمودیم و عملاً "از دولت بختیار خلع ید کردیم. بعنوان تشکل رسمی دولت اولین اقدام تعیین معاونین بود که فی المجلس تکلیف کردم و آنها پذیرفتند. آقایان مهندس صباغیان معاون نخست وزیر در امور انتقال، دکتر ابراهیم یزدی معاون در امور انقلاب و مهندس عباس امیرانتظام در امور اداری و روابط عمومی. دو پست و عنوان اول به سابقه و لازمه وظائف و شرایط انقلاب بود. یکی برای تبدیل تدریجی دستگاه قدیم و تعیین مسئولین جدید برای مؤسسات عمده و ادارات اصلی مانند شهربانی، شهرداری، شرکت نفت، شیلات، دانشگاهها، ذوب آهن، راه آهن، هواپیمائی و غیره و دیگری برای تداوم و نظارت و حفاظت انقلاب و تأسیس نهادهای انقلابی از جمله سپاه پاسداران و ارتباط با مقامات و مواضع انقلابی.

مطالعه و مشاوره و مصاحبه وزراء تا تعدادی که بشود کابینه را تشکیل داد بالاخره با تمام رسیده روز سه شنبه ۲۴ بهمن از شوری درخواست تشکیل جلسه کردم برای اینکه فرصت و خلوت کافی برای بحث و تصمیم وجود داشته باشد جلسه همراه با ناهار در منزل آقای حاجی معینی یکی از تجار علاقمند آشنا با آقایان و ساکن یکی از کوچه‌های شرقی خیابان ایران تشکیل گردید. جلسه ساعتها طول کشید و روی تکتک نامزدهای پیشنهادی همه

آنها را همه آقایان شوری از سابق می‌شناختند بحث و انتقاد بعمل آمده چند تا، از جمله آقای دکتر اصغر حاج سید جوادی را بدلیل مطالب علیه روحانیت در یکی از کتابهای سابق خود رد کردند و هفت نفری بشرح ذیل از غربال حلاجی و تصویبشان گذشت: آقایان:

۱ - دکتر پدالله سحابی وزیر مشاور در طرحهای انقلاب.

۲ - احمد صدر حاج سید جوادی وزیر کشور.

۳ - دکتر کریم سنجابی وزیر خارجه.

۴ - مهندس مصطفی کتیرائی وزیر مسکن و شهرسازی.

۵ - مهندس عباس تاج وزیر نیرو.

۶ - دکتر کاظم سامی وزیر بهداری.

۷ - داریوش فروهر وزیر کار.

عصر آنروز خدمت آقا گرفته گزارش دادم. آیت‌الله خمینی رو به آقایان روحانی شورای انقلاب کرده گفتند من همه را نمی‌شناسم اگر شما از نظر شرعی شهادت به آشنائی و اعتماد و صلاحیت آنها میدهید و پیش خدا خود را مسئول میدانید من منصوب کنم. آقایان تأیید کردند و مبارکه باشد گفته و قرار شد احکامشان را بنویسم که آقا امضاء نمایند. فردا صبح بهمین ترتیب در نخست وزیری جمع شده خبرنگاران و عکاسها آمدند عکس و تفصیلات گرفتند و روزنامه‌ها اعلام نمودند. عصر آنروز نیز در پیام تلویزیونی وزراء جدید و شروع کار دولت را به ملت اعلام نمودم. بعداً " و در مدت کمتر از یکماه بتدریج لیست وزراء تکمیل و آقایان ذیل اضافه شدند:

۸ - مهندس یوسف طاهری وزیر راه.

۹ - علی اردلان وزیر دارائی.

۱۰ - دکتر علی محمد ایزدی وزیر کشاورزی.

۱۱ - تیمسار احمد مدنی وزیر دفاع (بعداً " تیمسار ریاحی).

۱۲ - دکتر شریعتمداری وزیر فرهنگ و آموزش عالی.

۱۳ - ناصر میناچی وزیر تبلیغات و جهانگردی (ارشاد اسلامی).

- ۱۴ - دکتر مبشری وزیر دادگستری .
 ۱۵ - دکتر رضا صدر وزیر بازرگانی .
 ۱۶ - دکتر شکوهی وزیر آموزش و پرورش .
 ۱۷ - مهندس علی اکبر معین فر وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه .

۱۸ - دکتر محمود احمدزاده وزیر صنایع .

۱۹ - دکتر اسلامی وزیر پست و تلگراف .

بدیهی است که بقیه وزراء نیز اگرچه کمتر شناخته شده کلیه اعضاء شورای انقلاب بودند ولی روی همه آنها بتدریج که نامزد و معرفی میشدند بقدر کافی بحث و پرسش بعمل میآمد حتی بعضی از آنها مانند آقای دکتر شکوهی در اثر مشورت و معرفی آقایان روحانی شوری انتخاب گردیده بودند . تنها در مورد تیمسار تقی ریاحی در شوری ایراد و اشکال شد و عدم آشنائی وجود داشت که آقای مطهری گفتند ما روی اعتماد مهندس بازرگان به ایشان راء میدهیم فقط در ترمیم ماههای آخر بود که بعضی از آقایان شوری ایرادهای فردی و قصد دخالت و دخل و تصرف در لیست وزرای پیشنهادی جدید ذیل (و بیشتر آقای فروهر را) داشتند که من پافشاری نموده گفتم آقایان بر طبق اساسنامه شوری و سنت پارلمانی مجلس میتوانند یکپارچه راء بدهند یا یکجا رد کنند که با اکثریت آراء تصویب کردند . وزرای جدید عبارت بودند از آقایان :

دکتر مصطفی چمران در وزارت دفاع بجای تیمسار تقی ریاحی ،

مهندس عزت الله سحابی در سازمان برنامه بجای مهندس معین فر ،

دکتر حسن حبیبی در وزارت فرهنگ و آموزش عالی بجای دکتر شریعتمداری .

محمد علی رجائی کفیل وزارت آموزش و پرورش بجای دکتر شکوهی .

دکتر علی اسپهبدی وزیر کار بجای داریوش فروهر .

و بالاخره داریوش فروهر وزیر مشاور یا وزیر سیار برای سرکشی دائمی به استانها و توجه خاص به کردستان .

البته تغییرات جزئی دیگر و جابجائیهای نیز در آن فواصل در اثر

استعفای بعضی از همکاران پیش آمده بود (و بطور کلی استعفاها غالباً در اثر دخالت‌های افراد غیر مسئول کمیته‌ها یا انجمن‌های اسلامی و مقامات روحانی در کار وزارتخانه‌ها و ادارات و مسئولین مربوط بود که مستأصل و ناچار به کناره گیری میشدند) که با طرح و تصویب در شوری و فرمان امام صورت میگرفت. از جمله:

آقای دکتر ابراهیم یزدی در وزارت خارجه بجای آقای دکتر سنجایی .
آقای احمد صدر حاج سید جوادی در وزارت دادگستری بجای آقای

دکتر مبشری،

آقای مهندس صباغیان در وزارت کشور بجای آقای صدر حاج سید

جوادی.

آقای مهندس معین فردر وزارت جدیدالتاءسیس نفت برای در برگرفتن شرکتهای ملی نفت و گاز و پتروشیمی .

بعد از تصویب و ترتیب ادغام نسبی دولت و شوری انقلاب که بمنظور تسهیل همکاریها و مشارکت در مسئولیتها و تسریع در تصویبها و تصمیمات انجام گرفت چون آقایان از قبول وزارت استنکاف داشتند قرار شد با حضور در وزارتخانه‌ها و همچنین شرکت و حق رأی و مسئولیت در هیئت دولت پستهای ذیل را داشته باشند:

آقای هاشمی رفسنجانی معاونت وزارت کشور .

آقای سیدعلی خامنه‌ای معاونت وزارت دفاع .

آقای دکتر جواد باهنر معاونت وزارت آموزش و پرورش .

آقای محمدرضا مهدوی کنی با سمت قبلی سرپرست کمیته‌های انقلاب،

در وزارت کشور .

از آقایان دکتر بهشتی و موسوی اردبیلی نیز مصراً " خواهش شده بود که بمنظور جلوگیری از تعارض دادگاههای انقلاب با دولت، وزارت یا لااقل معاونت دادگستری را همراه با سرپرستی دادگاههای انقلاب بپذیرند ولی حاضر نشدند .

آقایان خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی در کمیسیون وزراء امنیتی که

سرپرستی و مسئولیت کلیه امور انتظامی و جنگی و امنیتی از جمله گنبد و کردستان و خوزستان و مقابله با گروه‌های ضد انقلاب را بعهده داشت عضویت و نظارت و دخالت کامل داشتند. شورای دفاع نیز بدون اطلاع و مشارکت آقای خامنه‌ای تشکیل نمی‌شد و علاوه بر آن امور پاکسازی وزارتخانه‌ها برطبق لایحه قانونی مصوب شورای انقلاب زیر نظارت عالیّه یک کمیسیون نخست وزیری انجام میگرفت که آقایان موسوی اردبیلی و خامنه‌ای و دکتر چمران عضو آن بودند.

بعدها به دولت موقت حملات زیادی از نواحی مختلف شده ما را متهم به تعلق، سازشکاری، اشتباه و خیانت در دفاع از کردستان و مرزهای ایران و در مقابله با توطئه‌های ضد انقلاب می‌نمودند در حالیکه اولاً "هیچگونه تعلق و سازشکاری و خطای عمدی وجود نداشته با توجه به اطلاعات و امکانات موجود حداکثر مراقبت و تلاش و خدمت بعمل می‌آمد و ثانیاً "آقایان شورای انقلاب بهیچوجه بیگانه و برکنار از جریانها و تصمیمات نبوده بسهم خودشان مطلع و مسئول کارها بودند ولی نه کسی به آنها ایرادی گرفت و نه آنها قیام به شهادت و دفاع از حق نمودند.

در کل مدت نه ماه دولت موقت با توسعه و تغییرهایی که در وزراء و مسئولین هیئت دولت داده شد ترتیب توزیع مجموع آنان را بر حسب پستها و گروهبندیهای سیاسی و اجتماعی میتوان در جدول ذیل بترتیب الفبا خلاصه نمود:

۱ - علی اردلان	دارائی	حزب ایران - جبهه ملی
۲ - محمود احمدزاده	صنایع و معادن	نهضت آزادی
۳ - علی اسپهبدی	کار	نهضت آزادی
۴ - علیمحمد ایزدی	کشاورزی	مردم ایران سابق - جبهه ملی
۵ - مهدی بازگان	نخست‌وزیری	نهضت آزادی
۶ - جواد باهنر	آموزش و پرورش	روحانیون شورای انقلاب
۷ - عباس تاج	نیرو	انجمن اسلامی مهندسين
۸ - مصطفی چمران	دفاع	نهضت آزادی

روحانیون شورای انقلاب	دفاع	۹ - سیدعلی خامنه‌ای
نهضت آزادی	آموزش و پرورش	۱۰ - محمدعلی رجائی
منفرد - جبهه ملی	دفاع	۱۱ - تقی ریاحی
جاما	بهداری	۱۲ - کاظم سامی
نهضت آزادی	سازمان برنامه	۱۳ - عزت‌الله سعابی
نهضت آزادی	وزیر مشاور	۱۴ - یدالله سعابی
حزب ایران - جبهه ملی	خارجه	۱۵ - کریم سنجابی
جاما - جبهه ملی	فرهنگ و آموزش عالی	۱۶ - علی شریعتمداری
منفرد	آموزش و پرورش	۱۷ - غلامحسین شکوهی
نهضت آزادی	کشور	۱۸ - هاشم صباغیان
نهضت آزادی	بازرگانی	۱۹ - رضا صدر
		۲۰ - احمد صدر حاج سید جوادی
کشور - دادگستری نهضت آزادی	راه	۲۱ - یوسف طاهری
انجمن اسلامی مهندسين	کار - مشاور	۲۲ - داریوش فروهر
ملت ایران - جبهه ملی	مسکن و شهرسازی	۲۳ - مصطفی کبیرائی
انجمن اسلامی مهندسين	کشور	۲۴ - محمد رضا کنی
روحانیون شورای انقلاب	دادگستری	۲۵ - اسدالله مبشری
منفرد - جبهه ملی	دفاع	۲۶ - سیداحمد مدنی
منفرد - جبهه ملی	سازمان برنامه	۲۷ - علی اکبر دغین فر
انجمن اسلامی مهندسين	- نفت	
منفرد	ارشاد	۲۸ - ناصر میناچی
روحانیون شورای انقلاب	کشور	۲۹ - علی اکبر هاشمی رفسنجانی
نهضت آزادی	خارجه	۳۰ - ابراهیم یزدی
کل	۱۱ نفر یا ۳۶/۶%	از نهضت آزادی ایران جمعاً

از جبهه ملی و منفردین و ملیون دیگر ۱۱ نفر یا ۳۶/۶% کل
 از انجمن اسلامی مهندسين ۴ نفر یا ۱۳/۳% کل
 از روحانيون شورای انقلاب ۴ نفر یا ۱۳/۳% کل

عملکرد دولت موقت در ظرف نه ماه عمر آن و سياستها و برنامه های اجرا شده تفصيل و توضیحاتی دارد که قسمتی از آن در نشریات و کتاب جداگانه داده شده یا داده خواهد شد.

* * *

اعضاء و تشکيلات شورای انقلاب نیز تحولها و دورانهای چهارگانهای بشرح ذیل داشته است:

۱ - قبل از پیروزی انقلاب و تا تعیین دولت موقت در آخر بهمن ۵۷ (قبلاً" صورت آن در صفحه آمده است)

۲ - پس از خروج وزراء دولت موقت از شوری تا ادغام نسبی دولت و شورای انقلاب در تیرماه ۵۸،
 آقایان:

طالقانی - مطهری - هاشمی رفسنجانی - دکتر بهشتی - مهدوی کنی - موسوی اردبیلی - دکتر باهنر - خامنه‌ای - تیمسار مسعودی - مهندس سحابی - دکتر عباس شیبانی - بنی صدر - قطب زاده - مهندس موسوی دکتر پیمان - احمد جلالی.

۳ - پس از ترمیم کابینه و ادغام نسبی دولت و شورای انقلاب تا استعفای دولت موقت در آبانماه ۵۸،

آقایان: طالقانی - دکتر بهشتی - هاشمی رفسنجانی - مهدوی کنی - موسوی اردبیلی - دکتر باهنر - دکتر شیبانی - بنی صدر - مهندس کتیرائی مهندس سحابی - قطب زاده - مهندس معین فر - دکتر رضا صدر - بازرگان. در این ترکیب بندی آقایان کتیرائی - سحابی - معین فر - صدر بازرگان - مهدوی کنی - هاشمی رفسنجانی - خامنه‌ای و باهنر در هیئت دولت و در شورای انقلاب حضور داشته پیشنهادات و نظریات حاصله همیشه برخوردار از رأی اکثریت در هر دو محل بود.

۴ - بعد از استعفای دولت موقت تا تشکیل مجلس شورای اسلامی با ادغام کامل دولت و شورای انقلاب،

آقایان: دکتر بهشتی - هاشمی رفسنجانی (وزیر کشور) - مهدوی کنی (وزیر کشور) - موسوی اردبیلی (بنیاد مستضعفین) - خامنه‌ای (معاونت وزارت دفاع) - دکتر باهنر (معاونت وزارت آموزش و پرورش) - بنی‌صدر (وزیر دارائی و بعد خارجه) - دکتر شیبانی (وزیر کشاورزی) - قطب زاده (وزیر خارجه) - مهندس سحابی (سازمان برنامه) - مهندس معین‌فر (وزیر نفت) - دکتر رضا صدر (وزیر بازرگانی) - مهندس بازرگان . سایر اعضاء دولت سمتی در شورای انقلاب نداشتند ولی در جلسه مشترک هفتگی دولت و شوری شرکت میکردند .

* * *

در زمینه روابط دولت موقت و شورای انقلاب، بطور کلی باید بگویم که در مقایسه با آنچه در انقلابهای دیگر دنیا جریان داشته است و با آنچه متداول اجتماعات ایرانی و ارگانهای شورائی دولتی و سیاسی خود این مملکت دیده میشود و معمول است رویهمرفته بصورت محترمانه و مثبت و صادقانه بوده است. در هیئت دولت نیز با وجود پاره‌ای اختلاف و تعارضها، فکر نمیکنم چنین تفاهم و همکاری صمیمانه در کابینه‌های گذشته ایران سابقه داشته باشد.

قدر مسلم این است که چه در زمان عضویت مؤثر خود ما در شورای انقلاب و چه بعد از جدائی یا ادغام دولت و شوری، همگی یکدیگر را می‌شناختیم و غالباً با سوابق مبارزاتی و همکاری دیرینه، اعتماد و احترام نسبی متقابلهای داشتیم. البته آن صداقت و وفای بعهد و صمیمیتی که ما گروه ملی و نهضتی، بخاطر مملکت و انقلاب در طبق اخلاص برای امام و شوری گذارده بودیم در طرف مقابل نمی‌دیدیم. آن آقایان بخاطر تداوم انقلاب، تسلط بر انقلاب یا تصرف مواضع قدرت دو راه متضاد در پیش گرفتند. از یکطرف برای عقب نیفتادن از قافله و گرفتن حربه از دست چپی‌ها رفته رفته انقلابی‌تر و تندتر میشدند و از طرف دیگر (و البته بعقیده خودشان با

حسن نیت و بقصد خدمت) برگشت ارتجاعی به سنن دیرین روحانی و همبستگی و انحصارگری طبقاتی نموده تدریجا فاصله‌ها زیاد و همدردی و همکاری کم میشد و سپس از استعفای دولت موقت از هم صدائی با انتقاد کنندگان و حملات دو پهلو دریغ نداشتند.

برای ما بسیار دردناک بود با آنکه آقایان در بسیاری از برنامه‌ها و اعمال مثبت یا منفی دولت و حتی پیش از پیروزی انقلاب مشارکت یا نظارت داشته تصویب کرده بودند و در هر حال برطبق اساسنامه شورای انقلاب و بنا به تکلیف شرعی که امام بگردنشان گذارده بودند مسئول کارهای ما در خطوط اصلی بودند. در برابر حملات ناروا و اتهامات ناجوانمردانه علیه دولت موقت که ماه بعماه شدیدتر و وسیعتر میشد سکوت رضایت‌مدانه‌ای اختیار کرده احساس وظیفه وجدانی و شرعی برای دفاع از عمل مشترک و ادای شهادت بحق نمی‌نمودند.

مثلاً علاوه بر آنکه نکتک وزیران از غربال‌آشنائی و الک نقادی و تصویب قریب باتفاق آقایان (منهای یک نفر) گذشته بود موقعی که بعضی مقالات و مقامات با سماجت خاص شخص بنده را بباد تهمت و ناسزا گرفته می‌گفتند علی‌رغم فرموده امام و پس از آن اصرار به اصطلاح جمهوری دموکراتیک بجای جمهوری اسلامی داشته‌ام هیچیک از این یاران به مردم نگفت که در ماده اول اساسنامه شورای انقلاب تنظیمی خودمان و مصوب امام آخرین هدف شوری " ایجاد حکومت جمهوری دموکراتیک اسلامی " ذکر شده بوده است و اگر نخست وزیر منتخب ایشان در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود قبل از اعلام عنوان انحصاری " جمهوری اسلامی " از طرف امام دو واژه دموکراتیک و اسلامی را مترادفاً و متعاقباً بکار می‌برده است تاءسی و تاءیبید مصاحبه‌های مکرر معظم‌له با خارجیان در نجف و پاریس بوده است. سیاست گام بگام نیز عین متن و محتوای فرمان امام بوده است. همینطور سیاست خارجی دولت با ابرقدرتها، که بر مبنای موازنه منفی و برقراری روابط دوستانه عادی بشرط احترام متقابل و حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی قرار داشت، پس از چند جلسه بحث و بررسی در شورای انقلاب وبدون

آنکه کمترین ایرادی ابراز شده یا کسی گفته باشد که با آمریکا باید قطع رابطه و اعلام خصومت نمود به تصویب رسیده بود...

از نشانه‌های حسن نیت و تلاش صادقانه دولت موقت همین بس که وقتی دیدیم مراکز تصمیم‌گیری کشور در تزیاید است و نهادها و مقاماتی که سرپرستی آنها بعضی از آقایان واگذار شده است ایجاد تشتت و تعارض و حداقل تأخیر و اشکال در وظائف محوله بدولت می‌نماید پیشنهاد و اصرار نمودیم که دوگانگی و فواصل از میان رفته دخالت‌های متفرقه که خارج از قلمروی امام و نظارت شورای انقلاب باشد موقوف گردیده دولت و شورای انقلاب زیر رهبری عالی‌امام یک کاسه شوند (قبلاً "هم طی نامه ۵۸/۲/۱۵ گزارش جامعی در همین زمینه داده بودیم که منجر به ادغام نسبی دولت و شورای انقلاب شد) و ما وقتی می‌دیدیم که جو و شرایط حاکم در روز پیروزی انقلاب و صدور فرمان نخست وزیر خیلی عوض شده یکپارچگی و وحدت که شرط بدیهی مدیریت است به گستردگی و کثرت مبدل شده است و از ناحیه بعضی از آقایان و روحانیت و نهادها انواع تفرقه و تداخلها بعمل می‌آید دو راه در پیش داشتیم. یکی مجادله و مخاصمه برای احراز قدرت انحصاری، و دیگر خود را در اختیار امام گذاردن و پیشنهاد همکاری و همگامی بیشتر کردن. این طرح عملی گردیده بعضی از آقایان روحانی شورای انقلاب وارد در هیئت دولت شده تا حدودی از تعارض و تأخیرها کاسته شد و چون مشکلات و پیچیدگیهای انقلاب و خطرات روز افزون سرعت تصمیم و توافق و تسلط خیلی بیشتری را ایجاب می‌نمود در اواخر مهر ماه ۵۸ همدار داده تقاضای وحدت تشکیلاتی دوارگان اصلی یعنی دولت و شورای انقلاب را کردیم که از طرف آقا پذیرفته شد ولی مواجه با سردی و استقبال کند گردیده آقایان قبول مسئولیت اجرائی اعضا شوری را نمی‌کردند در حالیکه دخالت‌ها و مزاحمت‌ها ادامه داشت باین ترتیب و قبل از حمله به سفارت آمریکا بخاطر مصلحت انقلاب و جمهوری اسلامی دولت تصمیم به استعفا گرفته بود نامه ذیل را خدمت امام فرستادم:

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی امام روح الله الموسوی الخمینی
دامت برکاته.

با کمال احترام معروض میدارد، پیرو توضیحات مکرر گذشته و نظر به اینکه دخالتها، مزاحمتها، مخالفت و اختلاف نظرها انجام وظایف محوله و ادامه مسئولیت را برای همکاران و اینجانب مدتی است غیر ممکن ساخته و در شرایط تاریخی حاضر نجات مملکت و بثمر رساندن انقلاب بدون وحدت کلمه و وحدت مدیریت میسر نمی باشد بدینوسیله استعفای خود را تقدیم میدارد تا به نحوی که مقتضی میدانید کلیه امور را در فرمان رهبری بگیریند یا داوطلبانی را که با آنها هماهنگی وجود داشته باشد مأمور تشکیل دولت فرمایند.

با عرض سلام و دعای توفیق

مهدی بازرگان - ۵۸/۸/۱۴

باین ترتیب پرونده‌های که در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ با روشنی و صراحت و صداقت و با شروط و خطوط مشخص، بقصد خدمت به ملت، در راه خدا و با توکل باو گشوده شده بود نه ماه بعد در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ در شرایط و خواسته‌های دیگر ولی باز هم با همان روشنی و صراحت و صداقت و حسن نیت بسته شد. خدا را شکر می‌کنم که دعا و پیمانی که در سخنرانی ابتدائی دانشگاه تهران با خدا بسته و گفته بودم "رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعلنی من لدنک سلطانا نصیرا" تحقق یافت.

روابط دولت موقت با امام

در هفته‌های اول ترتیب و قرار مشخصی نداشت زیرا که کار خودمان روی غلطک نیافتاده بود و طبق اساسنامه شورای انقلاب تنها خط مشی کلی و اصول سیاست دولت می‌بایستی از طرف رهبری انقلاب تعیین گردد ولی

بزودی ضروری دیدیم که برای احتراز از سوءتفاهم‌ها و افتراق‌ها تماس مستقیم بیشتر و ارتباط منظم داشته باشیم. هفته‌ای یکروز قبل از ظهر بطور تقریباً دسته جمعی به قم میرفتیم. علاوه بر آن در مواقع لازم بتنهائی یا باتفاق بعضی از همکاران خدمتشان میرسیدم. در این ملاقاتها غالباً آقای احمدآقا خمینی حضور همکاری داشتند.

منظور از جلسات مزبور و ملاقاتهای قم اولاً "دادن گزارش و دریافت نظریات و رهنمودهای ایشان نسبت به امور مهم انقلاب و مملکت بود و بنابیک اصل بدیهی مدیریت و سیاست اصرار کرده بودیم که چنانچه ایراد و اوامری داشته باشند قبل از هرگونه اعلام یا اقدام بخود ما بگویند. ثانیاً "مسائلی پیش می‌آمد که از جنبه شرعی و فقهی یا بخاطر سیاست کلی انقلاب احتیاج بنظر ایشان داشتیم. از قبیل بهره و درآمد بانکها و ملی کردن آنها، صادره‌ها و اعمالی که دادگاهها و بعضی کمیته‌ها میکردند، عفو عمومی ملی و دلگرمی ارتشیان و کارمندان، روابط خارجی با ابرقدرتها و همسایه‌ها، اراضی شهری و کشاورزی، مبارزه با مواد مخدر، حوادث ناگوار گنبد و کردستان و مرزها ... ثالثاً "استمداد از رای و پشتیبانی معنوی و رهبری معظم‌له در مشکلاتی که پیش می‌آمد یا ابتکارها و اقداماتی که دولت لازم میدید. مانند دخالت‌های افراد کمیته‌ها و دادگاهها، تجاوز به آثار باستانی و عتیقه‌ها، توقعات غیر قانونی نامعقول کارگران، تحریکات داخل کشاورزان، مبارزه با گرانی و تورم و بیکاری و غیره.

امام نیز بعضی اوقات سفارش و تأکیدهایی برای مستضعفین یا تسریع در تدوین قانون اساسی و اجرای احکام شرعی داشتند و گاهگاه شکایات یا اتهامهایی که علیه افرادی از رؤساء و مسئولین میرسید بما ارجاع کرده خواستار تحقیق یا تغییر میشدند.

بطور کلی ارتباط فیما بین منظم و مستمر و مثبت بوده معظم‌له را در جریان مگلسی امور می‌گذاریم، مخصوصاً مهمات و مسائل حساس جنگی یا سیاست با اطلاع و تصویب یا دستور انجام میگرفت. البته اگر مصلحت‌هایی بنظرمان می‌آمد یا اختلاف نظرهایی داشتیم از روی صفا و صراحت بنا به

احساس مسئولیت اظهار میکردیم ولی هیچگاه نه چیزی را مستور میداشتیم و نه تحریف و فریب و تملق در کارمان بود. در مواقع فوق‌العاده و ضرورت و هر چند ماه یکبار اعضای دولت و شورای انقلاب متفقا" به حضورشان میرسیدیم.

روابط دولت موقت با مردم

دولت موقت برای خدمت به مردم ایران آمده ب فکر مردم و در میان مردم بود و علاوه بر تماسهای حضوری مستقیم هر یک از وزراء و شخص اینجانب صاحبه و سخنرانیها و پیامهای تلویزیونی عمومی منظم داشتیم که استماع و استقبال فراوان میشد و آنها را آموزنده و امیدوار کننده و موثر میدانستند. در برخوردهای شهری و بازدید شهرستانها و موءسات مواجه با ازدحام صمیمانه" انبوه مردم محل و شاهد انبساط چهرهها شده کاملا احساس علاقه و اعتماد متقابل می نمودیم. اما با همه اینها یکی از اشتباهات ما این بود که بگفته همکارمان دکتر یزدی آدمهای بیشتر اداری و خدماتی بودیم تا سیاسی و تبلیغاتی. به مسئله" تماس و تفاهم و تاثیر روی افکار خصوصا" جوانان انقلابی و داغ کمتر اهمیت میدادیم و صرف وقت میکردیم تا روی امور و مشکلات کشور و وظائف اداری و اقتصادی و نظامی و امنیتی و فرهنگی گوناگون که فرمان امام و مسائل روزافزون انقلاب بدو شمان گذارده بود.

بعلاوه - داستان باور نکردنی استثنائی - دولت موقت انقلاب اسلامی ایران منتصب رهبر آن دست و زبان بسته‌ترین حکومت انقلابی روی زمین بود!

روزنامه‌های کثیرالانتشار سابقا" دولتی، اسما" در اختیار نهادهای خارج از قلمروی دولت و عملا" در دست کارکنان چپی - ساواکی انقلابی نما بود و در حالیکه نهضت آزادی بنا به تعهد روز- انتصاب نخست وزیری، خودداری از انتشار ارگان حزبی داشت روزنامه‌های حزبی چپی یا اسلامی و شخصی تازه درآمده، تبلیغات مخالف یا نامساعد علیه ما داشتند. و همچنین است

منابر و مساجد و نمازهای جمعه که نهاد تربیتی تبلیغاتی نیرومند مخصوص حکومت اسلامی بوده حالت انحصاری داشت و یکی از مراکز تصمیم‌گیری جدای از دولت و احیانا مقابل آنرا تشکیل میداد. مهمتر و زیانبخش‌تر از همه رادیو تلویزیون قانونا "دولتی بود که نه تنها نقش سخنگویی و تبلیغ و اجرای برنامه‌ها و سیاست دولت (قانونی واجب الاطاعه امام زمان) را ایفا نمیکرد بلکه متصدی آن خود را شخصیت مستقل مدعی وزراء و متکی به امام دانسته گردانندگان قدیم و جدید نیز برای خود طرز تفکر و تلقی‌های خاص داشته و در مجموع و مخصوصا " در اواخر ایام دولت موقت از کارشکنی و تبلیغات سوء دریغ نمی‌ورزیدند، ضمن آنکه امام در آن زمان بمنظور احتراز از بروز دیکتاتوری در مملکت، مخالف با تجزیه قدرت نبودند.

بطور کلی عامه مردم و طبقات ملی و مسلمان مملکت، نسبت به دولت موقت، با قبول اخلاص و عقاید آن، تفاهم و تمایل داشتند ولی اقلیت گروه‌های چپی و التقاطی ما را خصمانه می‌کوبیدند و از طرف دیگر جوانان انقلابی افراطی که عشق و عقده‌های سالهای قبل از پیروزی و تأثیرات مارکسیستی به تحریک و تعجیلشان واداشته و انقلاب و انقلابی بودن برایشان اصل و هدف بود، گوششان به این حرف منطقی که مأموریت و برنامه دولت موقت بر طبق فرمان امام مرحله بمرحله و انتقالی بوده نباید انتظار حرکات خارج از نظم و مصوبات و تندی انقلابی را از ما داشته باشند، بدهکار نبود. غیر از این دو دسته افراد تشنه مقام نیز وجود داشتند که شرط اول توفیق خود برای احراز کرسی ریاست جمهوری را برداشتن رقیب مسلم و بدنام و خفیف کردن دولت موقت میدانستند. گروه روحانیت نیز معتقد و مصمم بحقانیت و حاکمیت انحصاری خود بوده ضروری میدانستند که هر حزب یا فرد و فکر شاخص را از میدان خارج سازند. ضمن آنکه در تمام این احوال و اوضاع و در همه انقلابها و امت‌ها مسائل انسانی و اجتماعی رقابت و حسادت و احراز قدرت و سیاست نقش طبیعی خود را فراموش نمی‌کند. نکته‌ای که ما روی خلوص و صداقت غافل از آن بودیم.

والله العزيز الحكيم

سیمای دولت موقت

در پنج سند

از ولادت تا رحلت

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

بسمه تعالی

خواننده عزیز

بیش از دو سال از استعفای دولت موقت میگذرد. در این مدت انقلاب اسلامی ما فراز و نشیب‌های فراوان داشته و با مشکلات عدیده روبرو بوده است علی‌رغم تعدد مراکز تصمیم‌گیری کنونی که موجب شکایت و استعفاء دولت موقت گشت این مراکز در اتخاذ تصمیم و حمله به دولت موقت هم آهنگند. با آنکه دولت موقت، بتوصیه، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی دولتی نهضتی نبوده است، دست اندرکاران و افراد غیر مسئول هر جا صلاح خویشتن ببینند، لبه تیز حملات خود را متوجه نهضت آزادی ایران نیز ساخته و با یک حرکت، دولت موقت و نهضت آزادی را ذبح شرعی می‌نمایند. علاوه بر این، گروه‌های شناخته شده دیگری همچون "توده نفتی‌ها" نیز در این حمله شرکت می‌جویند، تا از ثواب این قربانی بی‌بهره نمانند.

سؤال‌ی که مطرح است اینست که آیا حمله به دولت موقت مشکلات کنونی کشور را از قبیل جنگ، گرانی، رکود اقتصادی، بیکاری عدم امنیت، تروریسم و غیره ... را مرتفع خواهد ساخت؟ آیا این مشکلات مولود نه ماه حکومت دولت موقت بوده است؟ انگیزه و هدف این حملات چیست؟ متأسفانه در شرایط کنونی کشور، پاسخ دادن به این سؤال‌ها و یا خنثی ساختن تبلیغات وسیع صدا و سیما جمهوری اسلامی، روزنامه‌ها، مقالات و ... علیه دولت موقت و نهضت، برای ما ممکن نیست، در عین حال، از آنجا که رئیس دولت موقت از بنیانگذاران و برخی از وزراء از اعضای نهضت آزادی ایران بوده اند، روابط عمومی نهضت به تکثیر پنج سند ضمیمه اقدام می‌نماید.

در پایان دوست و دشمن را به تعمق در این گفتار نغز الهی " تلک امه قد خلت لها ما کسبت ولکم ما کسبتم" (بقره ۱۳۴)^(۱) دعوت کرده، هدایت همگان را از خدای بزرگ مسئلت می‌نمائیم.

والعاقبه للمتقین

روابط عمومی.

نهضت آزادی ایران

۶۰/۱۱/۲۸

۱ - این گروهی است که رخت بریست، خوب و بد اعمالش بعهده خود اوست، شما نیز مسئول خوب و بد رفتار خود هستید.

متن حکم انتصاب نخست وزیر دولت موقت توسط رهبرانقلاب اسلامی
بسم الله الرحمن الرحيم

۹۹/۱۴/۶

۵۷/۱۱/۱۵

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان

بنا به پیشنهاد شورای انقلاب بر حسب حق شرعی و حق قانونی ناشی از آراء اکثریت قاطع قریب باتفاق ملت ایران که طی اجتماعات عظیم و تظاهرات وسیع و متعدد در سراسر ایران نسبت برهبری جنبش ابراز شده است. و بموجب اعتمادی که به ایمان راسخ شما به مکتب مقدس اسلام و اطلاعی که از سوابقتان در مبارزات اسلامی و ملی دارم جنابعالی را بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص مأمور تشکیل دولت موقت می‌نمایم تا ترتیب اداره امور مملکت و خصوصاً "انجام رفراندوم و رجوع بآراء عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور بجمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید و انتخاب مجلس نمایندگان ملت بر طبق قانون اساسی جدید را بدهید. مقتضی است که اعضاء دولت موقت راهر چه زودتر با توجه بشرائطی که مشخص نموده‌ام تعیین و معرفی نمائید. کارمندان دولت و ارتش و افراد ملت با دولت موقت شما همکاری کامل نموده و رعایت انضباط را برای وصول بااهداف مقدس انقلاب و سامان یافتن امور کشور خواهد نمود موفقیت شما و دولت موقت را در این مرحله حساس تاریخی از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

روح‌الله الموسوی الخمينی

پاسخ آقای مهندس بازرگان به امام پس از دریافت حکم نخست وزیری
دولت موقت.

بسم الله الرحمن الرحيم

و کم من شاء جميل لست اهلا " له نشرته

خدای بزرگ را شکر میکنم که چنین اعتبار و حسن شهرتی را که به هیچوجه اهلیت و لیاقت آنرا نداشته‌ام بمن ارزانی داشته و همین موهبت الهی باعث شده است که آیت‌الله ابراز اعتماد و ارجاع چنین مأموریتی را به بنده عنایت بفرمائید و همچنین تشکر از ملت ایران میکنم که آیت‌الله مکرر تصریح فرموده‌اید که بنام ملت، همصدای با ملت و برای ملت گامها و صداهاى خود را برداشته و بلند کرده‌اید. این مأموریت یعنی ریاست دولت موقت و تشکیل حکومت در شرایط بسیار دشوار خطرناک عظیمترین شغل و وظیفه و در عین حال بزرگترین افتخاری است که به بنده واگذار شده و شاید حق داشته باشم بگویم دشوارترین وظیفه و کاری است که در طول تاریخ هفتاد و دو ساله مشروطیت ایران به نامزدها و مأمورین نخست وزیریهای دیگر داده شده است. قاعدتا" با توجه به جثه ضعیف و نواقص و معایب خودم نمی‌بایستی قبول این مسئولیت را کرده و زیربار چنین امری رفته باشم ولی از یک طرف بنا به ضرورت و وظیفه و مسئولیت طبیعی و انتظاری که داشته‌اند ناچار شدم که قبول کنم و مخصوصا" با تأسی به روپه و سنتی که خود آیت‌الله در سراسر این دوران اداره ورهبری جنبش داشته‌اید و با عزم راسخ و با ایمان کامل به خدا و اعتماد به موفقیت این راه رهبری فرموده‌اید، منم همین راه را انتخاب میکنم و این اولین درس و اولین دستوری است که از آیت‌الله گرفته‌ام و فرمایش حضرت امیر، علی‌ابن ابیطالب را بکار می‌بندم که فرموده‌اند وقتی در برابر امر خطیر و کار مشکلی قرار گرفتید وارد شوید، بحول و قوه الهی مشکلات و مسائل حل خواهد شد. بنابراین با امید به خدا، امتنان از آیت‌الله و انتظار از ملت ایران و ملت جهان، این مأموریت و خدمت خطیر را قبول و تعهد کردم و برای مخاطرات و

زحماتش آماده‌ام و تا آنجا که مربوط به بنده باشد منتهای کوشش و نهایت دعا را برای موفقیت و انجام خدمت در راه ملت عزیز مسلمان ایران خواهم کرد.

ولاحول ولاقوه الا بالله العلی العظیم

بعد از ایراد جوابیه مهندس بازرگان .

دعوت امام از مردم برای اظهار نظر در مورد دولت اسلامی آقای

مهندس بازرگان .

من بعد از تشکر از ملت ایران که در این مدت‌های طولانی در رنج و زحمت بودند و با دادن خون خودشان برای اسلام خدمت کردند، مطلبی را که می‌خواهم بعرض ملت برسانم اینست که نظر خودشان را راجع به دولت آقای مهندس بازرگان، که الان یک دولت شرعی اسلامی است اعلام کنند. هم بوسیله مطبوعات و هم به تظاهرات آرام در شهرها و دهات و در هر جایی که مسلمان هست، نظر خودتان را راجع به دولت اسلامی آقای مهندس بازرگان اظهار کنید.

بازرگانان نخست وزیر حکومت انقلابی

رئیس سازمان سیا اعتراف کرد :

ناکامی «سیا»

در ایران

روز شمار انقلاب

اطلاعات

دوشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۷ - شماره ۱۳۷۷

عصر امروز امام خمینی در مصاحبه
بودمطالب اساسی را عنوان خواهند کرد
احتمالا اسامی اعضای شورای انقلاب و نخست
وزیر دولت موقت اعلام خواهد شد

روز شمار انقلاب

ضمیمه اطلاعات

اطلاعات

پنجشنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۷ - شماره ۱۵۷۸۰

مردم به بازرگان رای اعتماد دادند



نروه
بادی از
مافران
لباس
ظلمی
زراه
مائی
رکت
دند

متن گزارش دولت موقت به رهبر انقلاب اسلامی و شورای انقلاب

بسمه تعالی

۵۸/۲/۱۵

حضرت آیه الله العظمی امام روح الله الموسوی الخمینی مدظله العالی

شورای محترم انقلاب اسلامی

در آستانه سومین ماه عمر دولت موقت با توجه بمشکلات روز افزون و حوادث متواتر مخصوصاً "ضربات ترور اخیر و همچنین نارضائیهای عمومی، هیئت دولت جلسه فوق العاده‌ای در روز جمعه ۵۸/۲/۱۴ تشکیل داد تا به بررسی مسائل و چاره جوئی خطرات و ضرورتها بپردازد.

قسمتی از موضوعات و نتایج مذاکرات را مربوط به وظائف خود دانست که در باره هر یک اقدام خواهد شد و قسمتهائی را در ارتباط با مقام رهبری و شورای انقلاب دید بطوریکه بدون توافق نظر و همراهی آن مقامات عالیقدر خروج از بن بستها و مخاطرات موجود میسر نخواهد بود.

تقاضا داریم این نامه را بعنوان یک هشدار و استمداد که از ناحیه دولت مسئول در جهت ایفای وظائف محوله نوشته شده است تلقی فرمایند و توجه عاجل و کامل به آن مبذول دارند.

ذیلاً "فهرست وار به ارائه موضوعات و تجزیه و تحلیل جریانات پرداخته و در پایان درخواستها و پیشنهادهائی تقدیم میداریم.

بدیهی است که غرض نه شکایت و انتقاد از شخص و مقامی است و نه میخواهیم خدمات و فداکاریها و ارزشها را نادیده گرفته و محقر بشماریم. منظور جستجوی راه حلهای عملی و ضروری برای پیروزی بر دشمن غدار و رسیدن هر چه زودتر و راحت تر به جمهوری اسلامی مطلوب، بحول و قوه الهی و با توجه به واقعیات و عوامل مؤثر در کار میباشد.

الف) مأموریت و برنامه دولت

در ابلاغ اولیه مورخ ۵۷/۱۱/۱۵ مأموریت اصلی و کلی دولت به شرح

زیر تعیین شده بود:

۱ - ترتیب اداره مملکت

۲ - انجام رفراندوم

۳ - تشکیل مجلس مؤسسان برای تصویب قانون اساسی نظام جدید
۴ - انتخاب مجلس نمایندگان برای تعیین دولت قطعی جمهوری اسلامی
از این چهار فقره ماده ۲ بحمدالله با حداکثر موفقیت و جمعیت در تاریخ ۵۸/۱/۱۰ انجام گردید. نسبت به ماده ۳ شورای طرح‌های انقلاب قانون تشکیل مجلس مؤسسان را آماده ساخته است و مشغول تنظیم طرح پیشنهادی قانون اساسی جمهوری اسلامی برای تأیید شورای انقلاب و طرح در مجلس مؤسسان که برای تشکیل آن اقدام لازم صورت خواهد گرفت میباشد. ماده ۴ نیز قهراً" موکول به اجرای ماده ۳ خواهد بود.

اما ماده ۱ که خود شامل سه مرحله زیر:

- ۱- خلع پید از دولت غاصب و تصرف دولت
 - ۲- براه انداختن دولت و برگردش درآوردن فعالیت‌های مملکت.
 - ۳- اداره دولت و جوابگویی به نیازها و پیش آمدها بود.
- مرحله اول آن بخواست خدا آسانتر از آنچه تصور میشد انجام گرفت ولی بصورت دولتی و دستگامی متلاشی شده.
- مرحله دوم نیز بفضل خدا و دستور امام و حسن اجابت مردم در مدت کوتاهی شروع گردید و بتدریج تعمیم و تحرک پیدا میکند.
- مرحله سوم در عین اینکه دچار توقف و تعطیل نگردیده است در عمل تواءم با مسائل و مصائب فراوان میباشد، مسائل و مصائبی که از یک طرف حاصل میراث گذشته است و از طرف دیگر نتیجه مشکلات و توقعات فوق‌العاده که در بند "ب" به آنها اشاره خواهد شد.

ب) پدیده‌های اضافی و بعدی

دولت و مملکت بلافاصله پس از شروع کارها مواجه با دو پیش‌آمد یا پدیده گردیدند که تقریباً غیرمترقبه بود و با شدت و وسعت بر شتاب خود برنامه اولیه دولت و وظیفه مثبت تدارک و سازندگی را تحت‌الشعاع قرار داده کسریها و مشکلات فراوان به‌بار می‌آورد.

این دو پیش‌آمد یا دو مانع بزرگ یکی پدیده ضد انقلاب است که از

دشمنان شکست خورده داخل و خارج سرچشمه می‌گیرد و دیگری پدیده ضد دولت است که از خود دولت و از دوستان و ملت ناشی میشود.

۱ - پدیده ضدانقلاب

پدیده ضد انقلاب تحریکاتی است که پایه‌های داخلی آن عمال و ایادی شاه، احزاب و گروه‌های منحرف یا مأمور هستند و سرخ‌های خارجی آن اولاً "خودشاه و اطرافیان فراری‌ا‌ورا باید بشمار آورد و ثانیاً "صهیونیسم و دستگاه‌های جاسوسی بین‌المللی ابرقدرت‌های شرق و غرب.

اولین تظاهر پدیده فوق تبلیغات حساب شده و کارشکنی‌های گروه‌های کم جمعیت ولی متحرک و فعال چپ‌گرا است که در کلیه قیامها و اقدامات حق طلبانه ایران خار راه ملت و خدمتگزاران بوده‌اند. همچنین برنامه‌های تصرف اسلحه، انحلال ارتش و نیروهای انتظامی، تحریک دانشجویان و کارگران علیه مدیریت و مسئولیت در مؤسسات مربوطه و بالاخره مقالات و انتقادات مغرضانه در روزنامه‌های تحت کنترل و بهانه جوئیها و توطئه چینی‌ها و درگیریهای خونین کردستان و گنبد و نرده توأم با سرازیر شدن سیل اسلحه و خلع سلاح پاسگاهها و تصرف پادگانها که براه افتاد. مزید بر آنها همگی شاهد تجمع و تظاهرهای دستجات مختلف کارگر و کارمند و محصل و خانمها و تجاوز به زمینها شدیم و متعاقب آنها تهاجم به ادارات و تحصن‌ها همراه با توقیف و تهدید مدیران صورت میگرفت. ارمغان آخر ترورهای ناجوانمردانه و شایعات تضعیف کننده است که براه افتاده.

۲ - پدیده ضد دولت یا عوامل تضعیف دولت

علیرغم عقیده و اعتماد و پشتیبانی اکثریت سنگین ملت نسبت به انقلاب اسلامی ورهبری و دولت منتخب یک سلسله علل و عوامل در ظرف سه ماه گذشته بروز کرده است که انقلاب را مواجه با انحرافها و دولت را برای انجام وظائف واجب و دشوار ناتوان ساخته است.

علل و عوامل مزبور در درجه اول ناشی از سرعت و عظمت انقلاب و از کثرت فوق‌العاده مسائل و ابتلاها است و در درجه دوم مربوط به نقاط ضعف و اختلافات و اشکالاتی میشود که در روش کار و در سیستم مدیریت

و برخورد با ملت، با وجود همه حسن نیت‌ها و قصد خدمت و فداکاریها
عرض اندام می‌نماید، از قبیل موارد زیر.

۱ - ۲) پاره‌های نارسائی‌ها و کمی صلاحیت و ظرفیت‌ها در هیئت و
دستگاه دولت.

۲ - ۲) انتظارات عجولانه و همه جانبه مردم و مقامات

۳ - ۲) فشارهای طاقت فرسا و خواسته‌های نابجا.

۴ - ۲) ضعف تبلیغات.

۵ - ۲) حالت انتقام و آثار دادگاه‌های انقلاب.

۶ - ۲) تعدد مدیریت و تفرقه مسئولیت.

نسبت به شش مورد یا شش عامل فوق ذیلا " مختصر توضیحی داده
میشود:

۱ - ۲) نارسائیها در هیئت دولت

دولت اقرار دارد که به تناسب وسعت و عظمت کار و موقعیت که
می‌بایستی در انتخاب وزراء و متصدیان شرایط ایده آلی رعایت گردد
نتوانسته‌ایم با وجود حداکثر تلاش و توان عناصر کامل جامع مسلط و جوابگوی
خواسته‌ها باشیم.

از طرف دیگر دستگاه دولت که وارث دوران طاغوتی با همه سنگینی‌ها
و پیچیدگی‌های درونی و تضعیف یافته در اثر چندین ماه اعتصاب و تعطیل
کلی شده است قسمتهای عمده آن یعنی ارتش و نیروهای انتظامی از هم
گسیخته و ناتوان شده است. ضمن آنکه چاره و وظیفه‌ای جز بکار انداختن
و بکار بردن آن با استفاده از همکاری نیروی عظیم مردم با ایمان نداریم،
این دستگاه متأسفانه نتوانسته و هنوز نمیتواند از عهده آنچه باید برآید.
۲ - ۲) انتظارات عجولانه و همه جانبه مردم و مقامات

این انتظارات بار مافوق الطاقه‌ای بود که بدوش ما گذارده شد.

مردم به‌وای آنکه استبداد و استعمار از میان رفته و دولت ملی اسلامی
روی کار آمده است اولاً " انتظار داشته و دارند که انقلاب قاطع کامل
مطلوبشان فوراً تحقق یافته هیچگونه ناعدالتی، ناکفائی، ناداری یا ضعف و

عیب و ایراد از هیچ بابت نبینند، تمام تبعیض‌ها، محرومیت‌ها، ستم‌ها و فسادها که هزاران سال در پهنه مملکت و در اعماق ملت و دولت ریشه دوانده است در ظرف چند روز و چند ماه رفع شده باشد.

تصورناپخته دیگر این است که دولت موقت بر سر گنج قارون نشسته، برخوردار از معجزه موسی و نفس عیسی بوده همه کمبودها و دردها را می‌تواند بیک‌کُرمه دوا کند. کارگران و کارمندان می‌خواهند نه تنها تمام و کمال دستمزد و پاداش‌های گذشته را بگیرند بلکه اضافات ناروا و پرداخت‌های بیجائی را که دولت‌های گذشته بقصد کارشکنی در انقلاب تصویب نموده یا اسراف وار می‌پرداخته‌اند دریافت دارند.

یک عامل ناراضیتی و ناراحتیها از همین جا سرچشمه می‌گیرد و متأسفانه در اظهارات و تبلیغات عمومی و برخوردهای با خواص افراد و اجتماعات تکیه به این قسمت نشده مردم را کمتر متوجه ساخته‌اند که انقلاب بهیچوجه تمام نشده است و مراحل طولانی دشوار در پیش داریم و لازم است مانند دوران اعتصاب تحمل مشکلات و محرومیت‌ها و حتی شهادت را کرد و مدتها وجود نقص و عیب و بدی را قبول نمائیم.

بالعکس پاره‌ای وعده‌ها و تشویق‌ها و ایرادگیری‌ها مردم را تشنه‌تر و حریص‌تر برای حصول فوری آرزوهایشان میساخته است و می‌سازد. گروه‌های ضد انقلاب و انحرافی و افراطی نیز تحریکات و توطئه‌های خود را روی همین ناراضیها و انتظارات زودرس متمرکز می‌نمایند.

۲-۳) فشارهای طاقت فرسا و خواسته‌های نایجا

بدنبال آن تصورات ناپخته و انتظارات عجولانه همراه با بعضی سوءنیت‌های مغرضانه سیلی از خواسته‌ها و فشارهایی که برخلاف حق و اصول بوده در هیچ حال و نظام و در هیچ جای دنیا نیز قابل قبول نمی‌باشد به دولت وارد می‌گردد.

مثلاً "کارگرانی که ماهها قبل کارشان در کارگاه‌های راهسازی یا نصب شبکه و نیروگاه‌های برق تمام و حسابشان تصفیه شده است هجوم آورده مطالبه دستمزد و پاداش ماههای عدم احتیاج و عدم اشتغال و تعهد تجدید

استخدام را می‌نمایند و مسئولین کارگاه یا اداره را توقیف و تهدید کرده مانع براه افتادن مجدد طرح‌ها و حل مسئله بیکاری می‌شوند، دختران فارغ - التحصیل دوره کمک مامائی در وزارت بهداری تجمع و تحصن کرده ضمن ایجاد مزاحمت و ممانعت از کار وزیر و کارمندان اصرار به ابطال تعهد خدمت و دریافت اجازه و هزینه تحصیلات بالاتر می‌ورزند، دانشجویان دانشگاهها می‌خواهند انتصاب استادان و اداره دانشگاه بحکم شورای اساتدان، کارمندان و دانشجویان باشد که اکثریت آن را دانشجویان تشکیل دهند، دانش آموزان در وزارت آموزش و پرورش جمع شده وزیر را در تنگنا قرار داده لغو کلی امتحانات و قول قبولی مطلق را طلب می‌نمایند!...

۴ - ۲) ضعف تبلیغات

پس از شکسته شدن اعتصابات و پدید آمدن آزادی قلم و بیان روزنامه‌های معتبر و مؤثر موجود تقریباً " بطور درست در اختیار گروه‌های چپ یا ساواکی‌ها و ناراضی‌ها قرار گرفته پایگاه وسیعی برای تبلیغات مخالف و سمپاشی‌های ضد انقلاب و دولت تشکیل شده است، در حالی که موافقین روزنامه و نشریه پرتیراژ جالب که روشن کننده افکار و مدافع ما باشد هنوز بوجود نیآورده‌اند.

هیئت دولت و همکاران نزدیک نیز با قلت نفرت و کمی وقت و تخصص هنوز فرصت برای پرداختن جدی به تبلیغات را پیدا نکرده از این بابت در موضع بسیار ضعیفی قرار داریم، ضمن آن که از دستگاه گسترده و نیرومند رادیو تلویزیون بهره برداری شایسته متناسب بعمل نیامده و مدیریت آن خود را مستقل و غیر مستول در برابر رئیس دولت و فارغ از اجرای سیاست و برنامه‌های تبلیغاتی دولت میدانند.

۵ - ۲) حالت انتقام و آثار دادگاه‌های انقلاب

روحیه انتقامجویی از حنایتکاران و خطاکاران گذشته و احساس وظیفه شرعی و وجدانی در تنبیه و تصفیه‌های دامنه دار بلافاصله بعد از پیروزی اولیه انقلاب، حالتی و شرایطی را در محیط حاضر بوجود آورده است که صرف نظر از اسلامی و انقلابی صحیح بودن و نبودن آن و بموقع و بحا

بودن با چنین شدت و وسعت، تأثیر بسیار نامساعدی برای پیروزی بعدی انقلاب هم بلحاظ آرامش و امنیت و رضایت عمومی بوجود آورده است و هم سبب تنزل فوق العاده در روحیه کارمندان دولت، مخصوصاً ارتشیان و نظامیان شده است که در شرایط حاضر نهایت احتیاج را به خدمتگزاری و دلگرمی و جانفشانی آنها داریم.

بازداشت‌ها، سختگیری‌ها و احیاناً "اهانت‌ها و بیرحمی‌ها که بدستور یا بنام دادگاه‌های انقلاب صورت می‌گیرد علاوه بر گسترش محیط وحشت و ناامنی و نارضایتی در طبقاتی از مردم برنامه انقلاب و دولت را از مجرای ضروری و فوئی آن خارج ساخته و تعارض و تضعیف‌های فراوان در دستگاه دولت بوجود آورده و می‌آورد.

از جهات و ملاحظات عدیده‌ای بنظر می‌آید ارجح آن باشد که رهبری عالیقدر انقلاب تسکین و تخفیفی در محاکمات حاضر و تبعات آن قائل شده باستثنای جرم‌ها و موارد حساس خاصی که کماکان مشمول بازداشت و تعقیب و محاکمه در دادگاه انقلاب خواهد بود اعلام عفو عمومی بفرمایند.

۶ - ۲) تعدد مدیریت و تفرقه مسئولیت

در جریان بعداز پیروزی مرحله اول، اداره انقلاب و حکومت در دست سه مقام رسمی مشخص و چند مقام غیر رسمی قرار گرفت. سه مقام رسمی: اول رهبری انقلاب که چه در گذشته و چه در حال الهام دهنده و تصمیم گیرنده و پرسش‌کننده هستند و طرف مراجعه افراد و قشرهای گوناگون میباشند. دوم شورای انقلاب که جانشین مجلس شورا و ناظر بر دولت میباشند و بالاخره خود دولت که به عنوان محرر تصمیمات و برنامه و مسئول کلی جریانها و حوادث و جواب دهنده مسائل شناخته شده است.

مقامات غیررسمی ولی حاضر و عامل، کمیته‌ها و پاسداران و گروه‌ها و افراد داوطلب و همچنین مقدار زیادی از رهبران روحانی میباشند.

وجود افراد و مقامات مؤمن علاقمند فداکار انقلاب اگر از جهتی سرمایه و افتخار و امتنان محسوب میشود ولی تعدد و کثرت قطب‌های ذی‌نظر و ذی‌اثر عامل تشتت و کندی نار و مانع مدیریت و مسئولیت و احیاناً غیر قابل تحمل میباشند.

ج) تقاضا یا پیشنهادهای

دولت موقت جمهوری اسلامی بمنظور برطرف ساختن یا لااقل تقلیل موانع و مشکلاتی که بر سر راه تفوق بر خطرات و تهدیدها و توفیق در وظائف و اهداف وجود دارد لازم دانست تقاضاها و پیشنهادهای ذیل را با قید فوریت و ضرورت از محضر رهبر عالیقدر و شورای محترم انقلاب اسلامی بنماید:

۱ - برای برطرف کردن یا لااقل سبک کردن موانع و محظورات عمده

- ۱ - ۱) محدود کردن وظائف و دامنه عمل دادگاه انقلاب.
- ۱ - ۲) اعلام عفو عمومی نسبت به کسانی که مرتکب جرم کبیره نشده‌اند. و تعریف و تحدید جرم کبیره.
- ۱ - ۳) دادگاه انقلاب به اتهام عناصر ضدانقلاب که حالت داشته و سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی را تهدید میکنند با تقاضای دولت جدا " رسیدگی نماید و قاطعیت ابراز دارد.
- ۱ - ۴) رعایت استقلال قضائی دادگاه انقلاب مانع حاکمیت و مسئولیت دولت نشود.
- ۱ - ۵) برحذر داشتن مقامات غیر رسمی و غیر مسئول از هرگونه مزاحمت و دخالت در کار دولت و وادار ساختن آنها به همکاری و تقویت و تبعیت از دولت.
- ۱ - ۶) تمرکز مسئولیت و مدیریت در دست مقامات سه گانه رسمی.

۲- تقویت و تحرک بیشتر شورای انقلاب

شورای انقلاب هفته‌ای یک جلسه به لوایح پیشنهادی و به موضوعات طرح شده و مسائل هیئت دولت اختصاص میدهند. نظر باینکه این مدت غیر کافی می‌باشد تقاضا میشود هفته‌ای دو جلسه کامل یا بیشتر به مراجعات و مسائل دولت بپردازند با اختیارات کافی به کمیسیون های منتخب یا به خود دولت بدهند.

۳ - تجمع، وحدت و سرعت در تصمیم گیری‌های مقامات مسئول

نظر باینکه لامحاله بسیاری از مسائل، مورد نظر هر سه مقام فوق‌الذکر

میباشد مصلحت موقعیت ایجاب می نماید که تصمیم ها و راه حل ها مشترکا " بررسی و اتخاذ شود و دستورهائی که احیانا از ناحیه رهبری عالیقدر انقلاب بدون اطلاع دولت یا شوری اعلام میشود و ماء موریت هائی که راء سا " صادر می فرمایند از قدرت عمل دولت نکاهد و مسئولیت ها را لوث ننماید. تقاضا میشود:

اولا " آیت الله العظمی از قم به تهران مراجعت فرمایند تا ارتباط و تماس مابین سه مقام فوق الذکر بیشتر و سهلتر صورت گیرد و از دخالت ها و وساطت های مقامات غیر مسئول جلوگیری شود.

ثانیا هفته ای یک بار جلسه مشترک چند ساعته از شورای انقلاب با مشارکت نخست وزیر و چند نفر از وزراء در محضر امام تشکیل گردد، پیشنهادهای و مصوبات به استحضار و تاءیید معظم له برسد و مشکلات در آنجا مطرح شود و تصمیمات و انتصاهااتی که شورای انقلاب و امام نظر خاص نسبت به آنها داشته باشند در همان جا - و صرفا در همان جا - اتخاذ و اعلام گردد.

نخست وزیر

مهدی بازرگان

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی امام روح الله الموسوی الخمینی
دامت برکاته .

با کمال احترام معروض میدارد پیرو توضیحات مکرر گذشته و نظر به اینکه دخالت‌ها، مزاحمت‌ها، مخالفت و اختلاف نظرها انجام وظایف محوله و ادامه مسئولیت را برای همکاران و اینجانب مدتی است غیر ممکن ساخته و در شرایط تاریخی نجات مملکت و به ثمر رساندن انقلاب بدون وحدت کلمه و وحدت مدیریت میسر نمی‌باشد بدین وسیله استعفای خود را تقدیم میدارد تا به نحوی که مقتضی میدانند کلیه امور را در فرمان رهبری بگیریید یا داوطلبانی را که با آنها هماهنگی وجود داشته باشد مأمور تشکیل دولت فرمایند .

با عرض سلام و دعای توفیق

مهدی بازرگان

۵۸/۸/۱۴

بسم الله الرحمن الرحيم

شورای انقلاب جمهوری اسلامی، چون جناب آقای مهندس مازرگان با ذکر دلائلی برای معذور بودن از ادامه خدمت در تاریخ ۵۸/۸/۱۴ از مقام نخست وزیری استعفا نمودند ضمن قدردانی از زحمات و خدمات طاقت فرسای ایشان در دوره انتقال و با اعتماد به دیانت و امانت و حسن نیت مشارالیه استعفا را قبول نمودم. شورای انقلاب را مأمور نمودم برای رسیدگی و اداره امور کشور در حال انتقال و نیز شورا مأموریت در اجرای امور زیر را بدون مجال دارد.

۱ - تهیه مقدمات قانون همه پرسی قانون اساسی

۲ - تهیه مقدمات انتخابات مجلس شورای ملی

۳ - تهیه مقدمات تعیین رئیس جمهور

لازم به تذکر است که با اتکال به خداوند متعال و اعتماد به قدرت ملت عظیم الشان باید امور محوله را خصوصا " آنچه مربوط است به پاکسازی دستگاه‌های اداری و رفاه حال طبقات مستضعف بی‌خانمان بطور انقلابی و قاطع عمل نمایند.

روح الله الموسوی الخمینی

۵۸/۸/۱۵

نامه سرگشاده

بسمه تعالی

بحضور محترم رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آیه‌الله العظمی امام خمینی دامت برکاته در سخنرانی ۲۹ تیر ماه با بزرگواری متواضعانه‌ای فرمودید:

" من هر روزی که از این انقلاب میگذرد بیشتر توجه باین معنی پیدا میکنم که ملت ما انقلابی عمل کردند و ما نکردیم. ما یا مقصریم یا قاصر و در هر دو جهت در پیشگاه ملت جواب باید بدهیم. مردم همانطور که میدانید ریختند در خیابانها و این جرثومه فساد را بیرون کردند و به پیروزی نسبی رسیدند. وقتی که امر دست ماها افتاد هیچ کدام انقلابی عمل نکردیم و اگر چنانچه ما تجربه داشتیم یعنی یک انقلابی کرده بودیم و از بین رفته بودیم، یک انقلاب کرده بودیم، اینطور عمل نمی‌کردیم. ما با بی‌تجربگی این انقلاب را ایجاد کردیم. یعنی ملت کرد و ما با بی‌تجربگی آن کارهای انقلابی که باید در اول انقلاب بشود با مسامحه گذرانندیم و آن مسامحه موجب شد که این گرفتاریها را تا حالا پیدا کردیم و از این به بعد هم داریم، مگر اینکه انقلابی جبران کنیم ...

لهذا از اول که ما بحسب الزامی که من تصور میکردم دولت موقت را قرار دادیم، اخطار کردیم از اول باید یک دولتی که قاطع باشد و جوان باشد، قاطع باشد، بتواند مملکت را اداره کند نه یک دولتی که بتواند اداره کند، منتها ما آن وقت فردی را نداشتیم که بتوانیم آشنا نبودیم بتوانیم انتخاب کنیم. انتخاب شد و خطا شد ... "

بنظر اینجانب نه تنها در آن زمان مسامحه‌ای و خطائی از ناحیه آنجناب رخ نداده است بلکه وقتی سرگذشت جستجو و گزینش مسئول دولت موقت را از خاطر میگذرانیم هم عمل رهبر عالیقدر از روی بصیرت و تجربت و مشورت صورت گرفته، اختیار و اشعار کامل از هر جهت داشته‌اند و هم از ناحیه بنده اعلام موضو و اتمام حجت همراه با پیش بینی‌های لازم انجام گردیده جای هیچگونه ابهام و اغوا یا ایراد بعدی وجود نداشته است و حملات و اعتراضات بی‌اساسی که از چپ و راست یاریدن گرفته است ناحق و ناحوانمردانه است.

شاهد قضیه فرمان تاریخی ۱۵ بهمن ۵۸ است که در شرایط روزنه کسی را مناسب آن ماموریت خطیر می‌یافتید و نه کسی جرات قبول آنرا داشت و در مقدمه آن چنین آمده است: " بنا به پیشنهاد شورای انقلاب... بموجب اعتمادی که به ایمان راسخ شما بمکتب مقدس اسلام و اطلاعی که از سوابقتان در مبارزات اسلامی و ملی دارم جنابعالی را... مامور تشکیل دولت موقت می‌نمایم... "

از طرف دیگر یقیناً بخاطر دارید که قبل از اعلام قبولی خود با اشاره به نوشته‌ها و گفته‌ها و مشاغلی که عهده‌دار بوده‌ام و برای شخص امام و آقایان اعضاء شورای انقلاب شناخته شده و روشن بود، بر این نکته تکیه کردم که معتقد به نظم و اصول و منطق و شیوه‌های منطقی و تدریجی می‌باشم و آقایان با علم و قبول رویه‌ای که در گذشته داشته‌ام و در آینده تغییر نخواهم داد مرا به این سمت معرفی و منصوب می‌فرمائید.

در متن فرمان که بوسیله اعضای شوری تنظیم و بدست مبارک توشیح شد برنامه دولت موقت را مرحله بمرحله ترسیم فرموده بودند: ترتیب اداره امور مملکت، انجام رفراندوم، تهیه قانون اساسی، تشکیل مجلس مؤسسان و بالاخره انتخاب مجلس نمایندگان. همچنین شفاها " برای انتخاب وزراء شرایطی تعیین فرمودید و در پایان فرمان از کارمندان دولت و ارتش و افراد ملت خواهان همکاری کامل و رعایت انضباط برای وصول به اهداف مقدس انقلاب و سامان یافتن امور کشور شده بودید. وزرائی هم که معرفی شدند

مورد تصویب شورای انقلاب و تأیید آنجناب قرار گرفتند.

منظور آنکه مسامحه یا غفلت و خدای نکرده تقصیر از طرف امام رخ نداده است و از طرف اینجناب نیز در سخنرانی عمومی ۲۰ بهمن ماه در دانشگاه تهران که با حضور و تأیید آقایان اعضاء شورای انقلاب خطاب به ملت ایران اعلام کردم علاوه بر اعلام مراحل تدریجی برنامه صریحا و مشروحا عمده مشکلات بعدی و عدم امکان تأمین فوری نظریات و انتظارات را گوشزد کردم و اضافه نمودم که پیدا کردن افراد صددرصد مؤمن صالح میسر نیست و تنها تصادم از بابت خود و کابینه آینده، انتخاب افرادی با حسن نیت و فعال است که گمان نمی‌کنم هیچ آدم با انصاف منکر آن بوده باشد.

رویه فوق یعنی در میان گذاردن صمیمانه و صادقانه مسائل و مشکلات و خواسته‌ها با مردم ایران در پیامهای تلویزیونی دو سه هفته یکبار ادامه داشته‌نه چیزی را پرده پوشی میکردم و نه (تا آنجا که بخاطر دارم) شخص امام و یا هیچ مقامی نسبت به آن اظهارات و تصمیمات دولت ابرازی میکردند.

آنچه در آغاز کار از هر طرف حکمفرما بود اعتماد و تفاهم و توافق بود و چیزی که مطرح نبود و ضرورت و فوریتی برای آن احساس نمیشد انقلابی عمل کردن بمفهوم ضربت و خشونت و شدت بود. ضمن آنکه همگی معتقد و علاقمند و موظف به اسلام و ایران و انقلاب بودیم.

عقل و منطق نیز حکم میکرد که انتقال مملکت از نظام استبدادی ۲۵۰۰ ساله و استیلای خارجی. ۲۵۰ ساله بنظام جمهوری اسلامی با متانت و استحکام در سایه قانون و مقررات مصوب و قدرت مجهز انجام شود. پس از بیرون کردن شاه و کوتاه کردن دست ابر قدرتها از سر دولت، نیازی به دستپاچگی و آشفته‌گی نبود و سازندگی با آشفته‌گی و خصومت سازگاری نداشت. از طرف امام نیز آنچه در مصاحبه‌های قبل و بعد از ورود به ایران اعلام شده بود احترام به آزادی و حقوق کلیه افراد و گروهها در حدود قانون و عدالت تا حد عدم مزاحمت و سلب امنیت بود. همچنین در مورد

کشورهای خارجی تصریح فرموده بودند که بشرط عدم دخالت آنها در امور و رعایت حقوق متقابل، خواهان برقراری روابط اقتصادی و سیاسی معقول هستیم.

رهنمود فوق که در ملاقاتهای حضوری نیز تکرار میگردد ملاک عمل دولت موقت در روابط خارجی بود.

این اعتماد و تائید امام نسبت بدولت موقت در نه ماه خدمت ادامه داشت و هیچگاه نخواستید، با آنکه دولت استعفایش را در اختیارتان گذارده بود شخص یا دولت دیگری را تعیین فرمائید. حتی پس از استعفا ۱۴ آبانماه ۵۸ در فرمانی که بعنوان شورای انقلاب صادر فرمودید زحمات طاقت فرسای اینجانب مورد تقدیر قرار گرفته بود.

با عرض مراتب فوق اجازه میخواهم بگویم کسی حق نداشت و حق ندارد تحت عنوان گام بگام یا وصله ناروای سازشکار گلایه و اعتراض و اعلام تقصیر به بنده و به دولت موقت بنماید.

یکی دو ماهی نمیگذشت و درحالیکه جریان امور بطور محسوس رو به بهبود میرفت و امیدواری و حرکت در سراسر کشور بوجود آمده بود علل و عواملی روی داد که مخالف رویه فوق و مانع اجرای برنامههای دولت شدند و عوامل و عللی نیز پیش آمد که ملت و انقلاب را در مسیر دیگری انداخت. اولین آوازه‌های انتقاد و مخالفت علیه دولت و انحراف ملت از ناحیه گروههایی آغاز شد که مرامشان همواره با آزادی و استقلال و اسلام منافات داشت و بمشتر رسیدن انقلاب " نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی " قابل قبولشان نبود آنهائیکه کارشان کار شکنی و اخلال است و ایدئولوژی‌شان تکیه بر تضاد و تعرض و تخریب دارد و کینه و بدگمانی و انتقام سکه رایج بازاریان می‌باشد. حضرات با آگاهی به اقلیت ناچیز بودن خود چون اجرای قانون و استواری نیروی ملت را به زبان خویش دانسته توفیق نقشه‌های پیش ساخته‌شان تنها در شرایط ضعف و نابسامانی کشور امکان پذیر بود عجله داشتند که با تحریک مردم برای تحقق فوری خواسته‌ها، با عنوان کردن لغو قراردادهای وابستگیها و با پرتاب تیرهای تهمت و تضعیف برای متصدیان

و ماء مورین، دولت را بکارهای دفاعی و منفی مشغول سازند و احیاء و اصلاح ارتش و نیروهای انتظامی را مانع شوند و از براه افتادن چرخهای اقتصاد و اداره مملکت جلوگیری نمایند. ضمناً حملات و بدگوییهای آنان از متصدیان بیشتر اتهام مزدوری و وابستگی به آمریکا بود و توطئه‌های فرضی امپریالیسم آمریکا را که برای آنها اصالت دارد و دشمن شماره یک مکتبی‌شان میباشد پیش می‌کشیدند. مجاهدین خلق نیز در این رهگذر هماهنگی نشان میدادند. چیزی که باعث تعجب و تاسف شد اینکه بعضی از گروههای انقلابی و مسلمان نیز دانسته و ندانسته تحت تاثیر گروههای چپ قرار گرفتند این آقایان برای آنکه در رهبری قشرها عقب نیفتند و بعضی از نیروهای جوان را که همیشه و همه جا در شعاع جذبه‌های مارکسیسم قرار داشته، عاشق داغی و تیزی یا شدت و قاطعیت و باصطلاح انقلابی هستند، از چنگ چپی‌ها گرفته بطرف انقلاب بکشانند، تندتر از آنها خواستند و بلندتر از آنها فریاد زدند. ایجاد اشتباهی کاذب در طبقات محروم کردند، و انتقامجویی و تجاوزگری را در ادارات و کارخانجات و دهات دامن میزدند. آنچه تراکم و تعجیل در برنامه‌های انقلابی بدنبال می‌آورد خرابی موءسسات، کمبود محصولات و ضعف و نارضایتی عمومی بود.

در این احوال توده مردم در تهران و شهرستانها بطوریکه دائماً نشان میدادند بخوبی متوجه زحمات و خدمات و مشکلات دولت موقت و شخص اینجانب بوده همه جا با آغوش باز و چهره شاد ابراز احساسات میکردند. فقط بعضی از گروههای سیاسی و جوانهای مخلص و هیجان زده‌هایی که نفس انقلاب برایشان اصل و هدف محسوب میشد روز بروز شوریده و بی‌حوصله و معترض میگرددیدند. ضمن آنکه تمام مطبوعات و اجتماعات در اختیار معترضین بود و رادیو تلویزیون که باید در مسئله تفهیم سیاست و تبلیغ برنامه‌های دولت و پیشرفت کارها باشد و در تمام دولتهای انقلاب چنین است شدیداً علیه ما سمپاشی مینمود. امام چندبار فرمودید که دولت خیلی خدمت میکند عیبش این است که چیزی نمی‌گوید و تبلیغ نمیکند.

حقیقت این بود که رسانه‌های گروهی تماماً وسائل ضد تبلیغی دولت

بودند و در جهت اهداف شخصی اقدام مینمودند امام نیز از این رو که دیکتاتوری پیش نیاید توضیح داده بودید رادیو تلویزیون در اختیار دولت نباشد.

اما علیرغم تمام موانع و ناهمکاریها و کارشکنیها، دولت موقت علاوه بر آنکه مراحل عمده ماموریت اصلی و اولیه خود را بیاری خدا و پایمردی ملت انجام میداد گامهای زیادی هم با تصویب شورای انقلاب در طرحهای انقلاب برداشت. از جمله ملی کردن بانکها و نیز قوانین مربوط به ملی کردن اراضی موات شهری، ملی کردن صنایع بزرگ و حفاظت و توسعه صنایع، افزایش بی سابقه حداقل دستمزد، قانون پاکسازی ادارات، الغای قرار دادهای سیاسی و نظامی بزرگ خارجی و تعطیل معاملات زیانبخش عمده مانند نیروگاههای اتمی و غیره.

دولت موقت که گناهی جز اجابت امر رهبر انقلاب و اجرای دستوری که دستش داده بودند نداشت پس از نه ماه تلاش مشبانه روزی بیدریغ و بی منت وقتی خود را محسود و محصور دید و در اثر تعدد مراکز تصمیم گیری و رقابتهای قدرت، راههای خدمت و فعالیت از هر سو بروی او بسته میشد در اول آبانماه ۵۸ به شورای انقلاب هشدار و به محضر امام پیام داد که مشکلات و خطرات تهدیدکننده چنان است که تنها اگر تمام عوامل و مقامات دست بدست داده یکدل و یک جهت کار کنیم میتوان امیدوار به نجات و توفیق بود. و چون هشدار و دعوت فوق مفید چندان واقع نشد در ۱۴ آبانماه ۵۸ استعفای خود را با احترام تقدیم و تقاضا نمود کسانی یا مجموعه‌ای را که هماهنگی داشته علیه خود مزاحمت و اختلاف نمایند مسئول اداره مملکت و پیشبرد انقلاب فرمایند که خوشبختانه مورد موافقت قرار گرفت.

پس از استعفا و مأموریت یافتن شورای انقلاب برای اداره مملکت ملاحظه فرمودید اکثر وزراء همان منتخبین دولت موقت بوده جز معدودی آقایان تازه نفس کسان دیگری را نیافتند و اقدامات انقلابی چشمگیری هم بیش از ادامه آنچه ما نموده بودیم نکردند.

وقتی آقای بنی‌صدر رئیس‌جمهور شدند در سخنرانیهای خود همان

تاکید و توصیه‌های دولت موقت دایر بر رعایت انضباط در کشور، تمرکز قدرت، توجه به کار تولیدی و فعالیت، حمایت از خدمتگذاران به سازندگی را به مردم و مقامات می‌نمودند. بطوریکه بزودی از طرف مخالفین متهم بدنباله روی از بنده شدند.

حقیقت این است که شیوه‌های عمل و خواسته‌های دولت موقت اختراع و افتخار شخصی یا ابتکار خاصی نبود. راهی را پیش گرفته بودیم که بدیهی مدیریت و مسئولیت و مصلحت بود. که دولت و دسته اعم از پیر یا جوان که بخواهند امنیت و حرکت و برکت برقرار سازند و انقلاب و جمهوری اسلامی را به ثمر و استقرار برسانند و ضمناً حسن نیت و درایت داشته باشند همان راهها را پیش خواهند گرفت، مدیریت و مسئولیت یک مسئله است احساسات و شور و شعار مسئله دیگر.

اما علل و عوامل نوع دوم که قبلاً عرض شده بود ملت و انقلاب رابه تغییر مسیر انداخت مربوط به تحولات انقلاب می‌باشد و باید به ماههای سوم و چهارم دولت موقت برگردیم.

آن زمان در حالیکه مملکت هنوز از جراحات پیروزی انقلاب و ترمیم ضایعات تخلیه طاغوت خلاص نگردیده و توان و نیروی لازم را برای تحرک کسب نکرده بود و دشمنان داخل و خارج در چهارگوشه مملکت درگیری و گرفتاری بوجود می‌آوردند، ابعاد انقلاب بهمت والای امام و پافشاری و حرارت امت از هر طرف وسعت می‌یافت، علاوه بر اجرای عجلانه برنامه‌های مالکیت شهری و روستائی و صنعتی، چنین میخواستند هر صاحب مقام مسئول و مشغول و هر مدیر نیز که در آن زمان مسئولیت یا فعالیت داشته است باید خلع ید شود.

چنین مملکت و دولت که شیرازه‌های داخلی آن از هم پاشیده بود و تنها امید و اسبابش نهادهای انقلاب یعنی نهالهای تازه روئیده بی‌سلاح و بی‌تجربه بود بیاری خدا داعیه حمایت از ملت‌های مسلمان، مدافع مستضعفین جهان، مبارز سرکوب‌کننده امپریالیسم جهان‌خوار غدار و صادرکننده انقلاب به همسایگان پیدا کرد...

حال چرا کسی نخواسته و نمیخواهد قبول کند که چنین اقدام خطر
محال است خالی از مشکلات کوه پیکر، صدمات مافوق بشر باشد. وقتی با
جسارت و حدت بی سابقه پنجه در پنجه ابرقدرتی چون امریکا می اندازیم چرا
باید لااقل قسمت عمده مسائل و مصائب را ناشی از این جهات و اقدامات
دانست و بجای کوبیدن دوستان در جهت وحدت و هم دلی عمل نکنیم.
چو کردی با کلوخ انداز پیکار

حذر کن کاندر آماجش نشستی
وای بحال وقتی که حریف بجای کلوخ و کمان بمب اتم و قدرت بی پایان
و حيله و وسیله های کلان در چنته داشته باشد.

شوخی نیست، این انقلاب از همه انقلابهای دنیا و حتی قیام انبیاء
وسیعتر و شدیدتر است، چه توقعی است که بی دردسر و بی تلفات و بی
مشکلات رد شود؟ درست است که عنایت خداوندی و اعجازهایی شامل رهبر
انقلاب و ملت بوده است و انشاءالله خواهد بود ولی مفهوم و وعده قرآنی
" و لنبلونکم بشی من الخوف والجوع و نقص من الاموال والا نفس و الثمرات
و بشر الصابرين " هم سر جای خود هست.

چرا صحبت از مسامحه خودتان و متصدیان میفرمائید یا مسائل فرعی
و ظواهر جزئی جلوی چشم آمده کوه مشکلات و مسائلی که با آنها روبرو
هستیم در نظر نمی آید. آیا فرصت برای وزراء و مسئولین باقی مانده و میماند
که مسامحه کنند؟ این خود ناشکری و دلسرد کردن خدمتگزاران نیست؟
معنای " من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق " چیست؟

کسانیکه بی اطلاع و خارج از گوداند، تجاهل میکنند به آسانی ایراد
میگیرند یا اتهام میزنند و ذهن امام را مشوب میکنند، باید در نظر بگیرید
که با دستپاچی و بی مهابا عمل کردن و اصول و اندازه ها را کنار زدن در
گفتن و خواستن آسان است ولی تبعات و سر درگمی هایی را بیار آورده و
راههای سوء استفاده و نابسامانیهای را بوجود می آورد. اگر یک جهت درست
شود ده جهت خراب میشود.

برای سبک کردن بارها و تقلیل دشمنی‌ها و ناراضی‌ها، در این سفر دراز انقلاب بود که مرحوم طالقانی و دکتر سحابی و بسیار کسان دلسوز سفارش عفو و تاءسی به عمل رسول خدا و علی و بسیاری از بزرگان وفاتحین را خدمتتان می‌کردیم... البته نه در باره عاملین و آمرین و مباشرین قتل می‌گارتگران دست اول بیت‌المال و نه آنکه بعدا غفلت از اعمال واحوالشان شود و مراقبت و کیفر شدید بعمل نیاید. سفارش ما همان چیزی بود که خدا به فرستاده‌اش می‌فرمود " و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم و شاورهم في الامر " و همان کاری که خدا را به آن سپاس گذاشته می‌فرماید: الحمد لله علي عفوہ بعد قدرته.

رهبر انقلاب نیز با عفوی که ماهها پس از استعفاى دولت موقت نمودند صحت و حق بودن خواسته ما را تایید فرمودند.

بجای مجمع و تالیف گروهها و تقویت توحید خودمان و تشویق احابت کنندگان بخدمات که لازمه وحدت و موفقیت است، چه افشاگریها و تهمت پراکنی‌ها و نارواگوئیها و چه سلب حیثیت‌ها و انتقام‌کشی‌ها بعمل نیامد و بجای سازندگی شیوه " خود ویرانگری " در کشور صورت نگرفت!

اینکه به جوانانی که قرار است روی کار آیند و زمام امور را بدست بگیرند خوش آمد و خدا قوت می‌گویم و در برابر مشکلات برای آنان از خداوند متعال آرزوی موفقیت دارم و امیدوارم در آنچه رضای حق و خیر خلق است توفیق کامل بیابند.

والسلام علی اهل التقوی

مهدی بازرگان

باعرض ارادت واحترام وسلام

۵۹/۵/۶

توضیح اینکه این نامه قبلا " در جراید همان ایام چاپ شده بود.

نشریات جدید نهضت آزادی

- ۱- بررسی قانون اراضی شهری
۸۰ صفحه - ۵۰ ریال
- ۲- نگاهی به اوضاع لبنان
۸۴ صفحه - ۸۰ ریال
- ۳- یادنامه بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران
۱۳۷ صفحه - ۱۵۰ ریال
- ۴- شانزده آذر
بقلم سردار رشید اسلام دکتر مصطفی چمران
۲۴ صفحه - ۴۰ ریال
- ۵- زندگینامه سردار رشید اسلام شهید دکتر مصطفی چمران
۴۳ صفحه - ۵۰ ریال
- ۶- شورای انقلاب و دولت موقت
۸۰ صفحه - ۸۰ ریال
- ۷- تحلیلی درباره بازرگانی خارجی
۳۰ صفحه - ۳۵ ریال

نشریاتی که توسط نهضت آزادی ایران توزیع میشود:

- ۱- گزارشی از لبنان
نامه دکتر مصطفی چمران به مهندس بازرگان
شرکت سهامی انتشار - ۴۷ صفحه - ۴۰ ریال
- ۲- بازیابی ارزشها
بقلم مهندس بازرگان
جلد اول ۱۶۰ صفحه - ۱۰۰ ریال
- ۳- بازیابی ارزشها
بقلم مهندس بازرگان
جلد دوم ۲۳۰ صفحه - ۱۸۰ ریال
- ۴- مسائل و مشکلات اولین سال انقلاب
از زبان مهندس بازرگان
۳۹۴ صفحه - ۴۸۰ ریال

برای تهیه این کتابها و دیگر نشریات ما میتوانید وجه آنرا به حساب ۱۱۵۹۹ بانک ملی شعبه مبارزان واریز کرده و رسید آنرا با اسم نشریات درخواستی به آدرس زیر بفرستید:

تهران ، خیابان استاد مطهری - نرسیده به چهارراه مبارزان - پلاک ۲۳۴ و یا صندوق پستی ۴۱/۱۵۱۹

۸۰ ریال

انقدا-
اسلام